حقيقت عاشورا

**(حقيقة عاشوراء باللغة الفارسية)**

**مؤلف**

**محمد عوده رحيلي**

**مترجم**

**قريب الله مطيع**

****

**محمد عودة الرحيلي، 1425ه‍**

**فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر**

الرحيلي، محمد عودة

حقيقت عاشوراء باللغة الفارسية. / محمد عودة الرحيلي؛ قريب الله مطيع. – المدينة المنورة، 1425ه‍

14.8×21سم

ردمك: 7-803-44-9960

1- عاشوراء 2- الصوم أ. مطيع، قريب (مترجم) ب- العنوان

ديوي 37. 252 1928/ 1425

**شناسنامه كتاب**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **نام کتاب:** |  | **حقيقت عاشورا** |
| **تأليف:** |  | **محمد عوده رحيلي** |
| **ترجمه:** |  | **قريب الله مطيع** |
| **سال چاپ:** |  | **1392 ه‍ . ش / 1435 ه‍ . ق** |
| **نوبت چاپ:** |  | **دوم** |
| **سایت‌های مفید:** |  | [www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)  www.islamhouse.com  [www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)  [www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)  [www.islamtxt.net](http://www.islamtxt.net)  mowahedin logo1www.mowahedin.com |
|  |  |  |

فهرست

[مقدمه‌ی مترجم 3](#_Toc380328050)

[روزه‌هاي نفلي«مستحب» در طول سال 7](#_Toc380328051)

[عاشورا در لغت 9](#_Toc380328052)

[سبب نامگذاري عاشورا به اين اسم 10](#_Toc380328053)

[امر به روزه گرفتن عاشورا 12](#_Toc380328054)

[منسوخ شدن روزه‌ی عاشورا 13](#_Toc380328055)

[تعيين روز عاشورا 14](#_Toc380328056)

[حكم روزه گرفتن عاشورا 15](#_Toc380328057)

[حكمت در روزه‌ی عاشورا 16](#_Toc380328058)

[انواع روزه‌ی عاشورا 19](#_Toc380328059)

[نوع اول روزه گرفتن نهم و دهم و يازدهم محرم 19](#_Toc380328060)

[نوع دوم: روزه گرفتن نهم و دهم محرم 20](#_Toc380328061)

[نوع سوم: روزه گرفتن نهم و دهم و يا دهم با يازدهم ماه محرم 21](#_Toc380328062)

[نوع چهارم: روزه گرفتن دهم محرم به تنهائي 22](#_Toc380328063)

[فضيلت روز عاشورا 23](#_Toc380328064)

[روزه‌ی پيامبران عليهم السلام در عاشورا 25](#_Toc380328065)

[روزه‌ی نوح عليه السلام در روز عاشورا 26](#_Toc380328066)

[روزه‌ی موسي عليه السلام در عاشورا 28](#_Toc380328067)

[روزه گرفتن پيامبر گرامي مان ص در عاشورا 31](#_Toc380328068)

[روزه گرفتن صحابه و تابعين در روز عاشورا 33](#_Toc380328069)

[روزه گرفتن قريش و اهل جاهليت در روز عاشورا 35](#_Toc380328070)

[آيا روز زينت، روز عاشورا بود؟ 36](#_Toc380328071)

[عاشورا در عهد اموي‌ها و عباسي‌ها 38](#_Toc380328072)

[عاشورا در عهد فاطمي‌ها 39](#_Toc380328073)

[عاشورا در عهد ايوبي‌ها 40](#_Toc380328074)

[عاشورا در عهد آل بويه 40](#_Toc380328075)

[بدعت‌هايي كه در عاشورا صورت مي‌گيرد و بايد از آن دوري جست 42](#_Toc380328076)

[ماتم در روز عاشورا 46](#_Toc380328077)

[رواياتی از کتب شیعه 49](#_Toc380328078)

[مراجع 55](#_Toc380328079)

مقدمه‌ی مترجم

**الحمدلله وحده والصلاة و السلام على من لانبي بعده و على آله وأصحابه الذين صدقوا وعده وبعد:**

خداوند متعال مي‌فرمايد: **﴿**يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱدۡخُلُواْ فِي ٱلسِّلۡمِ كَآفَّةٗ وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ٢٠٨ فَإِن زَلَلۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡكُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٢٠٩**﴾**. [البقرة : 208- 209]

ترجمه: «اي مومنان! همگي اسلام را به تمام و كمال بپذيريد و به صلح و آشتي در آييد، و از گامهاي شيطان پيروي نكنيد و به دنبال او راه نرويد بي گمان او دشمن آشكار شما است و اگر بعد از آمدن دلائل واضح منحرف و دچار لغزش شديد و به دام شيطان افتاديد بدانيد كه بي گمان خداوند توانا و حكيم است».

آيات فوق مؤمنان را به پيروي اوامر خداوند و فرمانبرداري احكام و قوانين شريعت محمدي امر مي‌نمايد چنانكه از پيروي گامهاي شيطان و آنچه را پسنديده و زيبا جلوه ميدهد منع نموده است.

اسلام ديني متكامل است كه هيچگونه زيادت و كمي را پذيرا نيست زيرا خداوند دينش را به وسيله‌ی حضرت محمد ص به اتمام رسانيد، همه احكام و قوانين را به طور مكمل و مفصل به مردم بيان كرد، براي هيچ كسي جاي نوآوري و تجديد در دين باقي نمانده است، و آنكه در اسلام چيزي را بوجود آورد كه از آن نباشد و يا اصلي از اصولش بدان گواهي ندهد پس آن مردود بوده بدان توجه نمي شود. شيطان هميشه كوشيده است تا مسلمانان را از راه اصلي شان به كجراهه و گمراهي بكشاند، و مانند خود تعدادي را هلاك نمايد، پس افسوس به كساني‌كه از راه خدا دور گشتند و از جاده‌ی حق منحرف شدند و به بيراهه رفتند.

خداوند مي‌فرمايد: ﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٦٣**﴾**. [النور: 63] ترجمه: «آنان كه بافرمان او مخالفت ميكنند بايد از اين بترسند كه بلائي گريبانگير شان گردد. يا اينكه به عذاب در دناكي دچار شوند».

امروز مصائب گوناگوني كه اعم از قحطي، ويراني، كشتار، زلزله، ذلت و غيره گريبانگير مسلمانان است سبب اساسي آن، دوري آنها از اوامر خداوند و رسولش است، هيچ روزي نيست كه واقعه‌ی تلخي بر مسلمانان رخ ندهد، ولي بخود نمي آيند و متوجه نمي‌شوند!

متأسفانه شيطان توانسته است، سنت را بدعت، و بدعت را سنت به مردم جلوه دهد و تعدادي را بدنبال خود بكشاند.

عاشورا! روزي‌كه با روزه گرفتن گناهان يكسال قبل محو مي‌گردد ولي شيطان با حيله و نيرنگش توانست اين‌روز را از خط سير اصلي‌اش منحرف سازد. علاوه بر آن، آنها را مرتكب اعمال ناشايسته و بدعت در دين كند.

اين رساله‌ی كوچك بيانگر اين حقيقت است، خواننده گرامي از لابلاي آن در مي‌يابد كه عمل پيامبرمان ص و يارانش چه بود و شيطان با چه نيرنگي بعضي‌ها را به كجا برده است؟!

خواننده‌ی گرانقدر! كتابي كه اكنون به شما تقديم مي‌داريم حقيقت روز عاشورا را بيان مي‌كند، مؤلف اين كتاب برادر فاضل ما محمد عوده رحيلي است كه خداوند به وي توفيق داد تا معلومات مفصلي در مورد روز عاشورا و آنچه به اين روز ارتباط دارد **(صوم عاشورا وما يرتبط بهذا اليوم)** جمع آوري كند. از خداوند پاداش بزرگ برايش استدعا مي‌كنيم.

بنده اين كتاب را بطور مختصر به زبان فارسي ترجمه كردم تا آن عده از مسلمانان كه از حقيقت روز عاشورا بي خبرند آگاه شوند همچنين راهي از راه‌هاي شيطان كه بعضي از برادران و خواهران ما را به بيراهه برده است مسدود گردد. در اخير از خداوند مسئلت دارم كه اين عمل را خالصانه براي رضاي خويش بپذيرد و به ما اخلاص در عمل ارزاني فرمايد و توفيقمان دهد كه بندگان شايسته‌ی او باشيم و ما را از رفتن بدنبال شيطان و ظالمان و فاسقان بدور دارد**. إنه سميع مجيب.**

قريب الله مطيع

مدينة منوره

18 شوال 1424 هـ ق

روزه‌هاي نفلي«مستحب» در طول سال

علاوه بر ماه مبارك رمضان، گرفتن روزه‌ی نفلي كه مسلمان را به خداوند نزديك مي‌كند، از پيامبر بزرگوارمان حضرت محمد ص ثابت است و امتش را نيز به آن ترغيب و تشويق نموده است چنان كه آنحضرت ص فرموده است: «كسيكه يك روز، در راه خدا (بخاطر رضاي خدا) روزه بگيرد، خداوند رويش را از آتش دوزخ به‌اندازه‌ی هفتاد سال دور نگه مي‌دارد»[[1]](#footnote-1).

و در حديث قدسي از آن حضرت ص روايت است كه خداوند مي‌فرمايد:

«هر عمل فرزند آدم براي خود اوست غير از روزه كه آن براي من است و من پاداش آن را مي‌دهم»[[2]](#footnote-2). به همين منظور پيامبر گرامي اسلام ص به روزه گرفتن بعضي از روزهاي سال ترغيب نموده‌اند تا سبب كاميابي و پيروزي بنده‌ی مسلمان در آخرت گردد، اين روزه‌ها از قرار ذيل مي‌باشد:

1- روزه‌ی داود **(عليه السلام)** افضل‌ترين روزه‌ی نفلي است، پيامبر ص به عبدالله ابن عمرو چنين توصيه مي‌نمايد: «يك روز، روزه بگير و يك روز، نگير، اين روزه‌ی داود **(عليه السلام)** بوده است كه افضل‌ترين روزه‌هاست»[[3]](#footnote-3).

2- روزه‌ی شش روز ماه شوال: از ابو ايوب روايت است كه رسول‌الله ص فرمود: «كسي كه رمضان را روزه گرفته و به دنبال آن شش روز از شوال را نيز روزه بگيرد. مانند آن است كه هميشه روزه‌دار باشد»[[4]](#footnote-4).

3- روزه گرفتن سه روز از هر ماه: از ابوذر روايت است كه پيامبر ص فرمود: «اي اباذر! هر گاه خواستي سه روز از هر ماه روزه بگيري، پس سيزدهم، چهاردهم، و پانزدهم را روزه بگير»[[5]](#footnote-5).

4- روزه‌ی دوشنبه و پنجشنبه: از ابوهريره روايت است كه رسول خدا ص فرمود: «اعمال بندگان روز دوشنبه و پنجشنبه به خداوند عرضه مي‌شود و من دوست دارم كه عملم در حاليكه روزه‌دار هستم به خداوند عرضه شود»[[6]](#footnote-6).

5- روزه‌ی روز عرفه: روز عرفه روز نهم ماه ذي الحجه است كه حجاج در عرفات به حضور خداوند مي‌ايستند، كه روز بسيار بزرگ و عظيمي است، گرفتن روزه درين روز خجسته، گناهان دو سال را پاك مي‌نمايد، پيامبر ص چنين مي‌فرمايد: «اميدوارم كه خداوند (بخاطر روزه‌ی، روز عرفه) گناهان سال قبل و بعدش را ببخشد»[[7]](#footnote-7).

6- روزه‌ی ماه محرم: حضرت ابوهريره روايت مي‌كند كه رسول‌الله ص فرمود: «بهترين روزه بعد از ماه رمضان، ماه محرم   
  
است، و بهترين نماز بعد از نماز‌هاي پنجگانه نماز شب است»[[8]](#footnote-8).

زيرا ماه محرم نخستين ماه سال است بنابراين اگر با عمل نيك مانند روزه آغاز گردد، سال بهتر و پر از بركت خواهد بود.

7- روزه‌ی ماه شعبان: ام المؤمنين عايشه ل مي‌فرمايد: «من نديدم كه رسول خدا ص در هيچ ماهي بيشتر از ماه شعبان روزه بگيرد زيرا كه تمام ماه را روزه مي‌گرفت»[[9]](#footnote-9).

8- روزه‌ی روز عاشورا كه موضوع بحث ما خواهد بود، عاشورا روز دهم ماه محرم است كه خداوند گناهان يكسال گذشته را براي روزه دار در اين روز مي‌بخشد، از ابي قتاده ط روايت است كه آن حضرت ص فرموده است: «اميدوارم كه خداوند روزه‌ی عاشورا را سبب كفاره‌ی گناهان سال گذشته قرار دهد»[[10]](#footnote-10).

عاشورا در لغت

روز دهم ماه محرم را عاشورا گويند، زيرا عدد ده را در عربي عشر مي‌گويند و اين كلمه به چند لفظ مختلف در كتابهاي لغت عربي ذكر شده است مانند عاشوراء - عشوراء - عاشورا - عشورا- عاشور بر وزن هارون[[11]](#footnote-11) در بعضي از كتاب‌هاي قاموس عربي، عاشورا روز نهم محرم را نيز گفته‌اند[[12]](#footnote-12) و علماي لغت در اصل كلمه‌ی عاشورا اختلاف دارند، بعضي مي‌گويند عاشورا كلمه‌ی عربي است و بعضي ديگر عاشورا را كلمه‌ی عبراني خوانده‌اند[[13]](#footnote-13).

سبب نامگذاري عاشورا به اين اسم

در مورد نامگذاري اين روز به نام عاشورا اقوال و روايات متعددي ذكر شده است بعضي مي‌گويند كه سبب نامگذاري عاشورا به اين نام همانا دهم ماه محرم است و اين قول واضح تر و نزديكتر به دهم ماه محرم است، و گفته شده است كه عاشورا روزي است كه خداوند تعالي ده پيامبرش را با ده كرامت افتخار بخشيده است كه از قرار ذيل است.

اول: در اين روز، خداوند موسي را نصرت بخشيد، در دريا راه را برايش باز نمود تا از چنگ فرعون نجات يافت و فرعون با لشكرش غرق گرديد.

دوم: در اين روز كشتي نوح با سلامتي در جودي استقرار يافت.

سوم: در اين روز يونس از شكم نهنگ نجات يافت.

چهارم: در اين روز خداوند توبه‌ی آدم را پذيرفت.

پنجم: در اين روز يوسف از قعر چاه تاريك بيرون آورده شد.

ششم: در اين روز عيسي به دنيا آمد و در همين روز به آسمان برده شد.

هفتم: در اين روز خداوند داود را مورد عفو و بخشش خود قرار داد.

هشتم: در اين روز ابراهيم چشم به جهان گشود.

نهم: در اين روز چشمان يعقوب دو باره روشن گرديد و بينا شد.

دهم: در اين روز گناهان گذشته و آينده‌ی پيامبر بزرگ اسلام ص بخشيده شد[[14]](#footnote-14).

در كتاب‌هاي تاريخ خصائص زيادي در مورد روز عاشورا ذكر شده است كه ارتباطي به نامگذاري آن ندارد، و در مورد پيامبران بايد گفت كه خصائص و كرامات آنان بالاتر از اين عدد است، و بعضي گفته‌اند كه عاشورا بخاطر اين، به اين اسم نامگذاري شده است كه خداوند امت محمد ص را به ده كرامات مشرف ساخته است كه بطور مختصر آنرا بيان مي‌داريم:

1- ماه رجب كه بر ديگر ماه‌ها فضيلت دارد.

2- ماه شعبان كه بر ديگر ماه‌ها فضيلت دارد.

3- ماه مبارك رمضان كه فضيلت آن بر همه آشكار است.

4- شب قدر كه بهتر از هزار ماه است.

5- روز عيد كه روز پاداش دادن خداوند به بندگان است.

6- روز‌هاي ده گانه‌ی (ذي الحجه) كه روزهاي ذكر خداوند است.

7- روز عرفه كه روزه گرفتن در اين روز كفاره‌ی گناهان دو سال است.

8- روز عيد اضحي يا روز قرباني كه سبب نزديكي به خداوند است.

9- روز‌هاي جمعه كه بهترين روزهاي هفته است.

10- روز عاشورا كه روزه گرفتن درين روز كفاره‌ی گناهان يك سال قبل است[[15]](#footnote-15).

امر به روزه گرفتن عاشورا

هنگاميكه پيامبر گرامي‌مان حضرت محمد ص در ماه ربيع الاول سال اول هجري به مدينه‌ی منوره هجرت كردند، و ماه محرم سال دوم هجري را در مدينه سپري نمودند، ديدند كه يهود در روز عاشورا روزه مي‌گيرند، زيرا پيامبرشان موسي اين روز را روزه مي‌گرفت. آن حضرت ص يارانش را به روزه گرفتن اين روز امر نمود. صبح روز دهم محرم بود كه آن حضرت ص دستور دادند تا همگي اين روز را روزه بگيرند در حاليكه بعضي از مردم مانند روزهاي ديگر شروع به خوردن و نوشيدن كرده بودند، آن حضرت ص به قريه‌ها و دهكده‌هاي اطراف مدينه نيز اشخاصي فرستاد تا به مردم اطلاع دهند كه روزه بگيرند و كساني‌كه در اين روز شروع به خوردن و نوشيدن نموده بودند نيز از خوردن و نوشيدن امتناع ورزند و بقيه‌ی روز را روزه بگيرند، در اين مورد احاديث زيادي روايت شده است كه ما بطور نمونه به ذكر چندي اكتفا مي‌كنيم:

1- از سلمه بن اكوع ط روايت است كه آنحضرت ص به مردي از قبيله‌ی اسلم امر نمود تا به مردم اعلان نمايد، كسي كه تا حالا نخورده است روزه بگيرد زيرا امروز روز عاشورا است[[16]](#footnote-16).

2- از مجزأة بن زاهر از پدرش روايت است كه پيامبرص به روزه گرفتن عاشورا امر نمود و فرمود: «كسي كه روزه دار است پس روزه‌اش را تكميل نمايد و كسي‌كه روزه دار نيست باقي روز را روزه بگيرد»[[17]](#footnote-17).

3- از بعجه بن عبدالله روايت است كه وي از پدرش شنيده است كه آن‌حضرت ص روزي به آنها فرمود: «امروز روز عاشورا است پس روزه بگيريد». شخصي از بني عمرو بن عوف گفت: اي رسول خدا، من از نزد قومم آمدم در حاليكه بعضي از آنها روزه داشتند و بعضي ديگر نداشتند! پيامبر ص فرمود: «برو به قومت بگو: كساني‌كه روزه ندارند، روزه بگيرند و آنرا تكميل نمايند»[[18]](#footnote-18).

منسوخ شدن روزه‌ی عاشورا

در ماه شعبان سال دوم هجري، خداوند روزه‌ی ماه مبارك رمضان را بر مسلمانان فرض گردانيد، پيامبر ص يارانش را از روزه‌ی عاشورا منع نكرد و نه دوباره چنانكه در سال اول هجري امر نموده بود امر فرمود ولي به گرفتن روزه‌ی عاشورا تشويق و ترغيب مي‌نمود زيرا پاداش و ثواب زيادي در آن نهفته است، پس اگر كسي روز عاشورا روزه بگيرد اجر و پاداش مي‌گيرد و كسي كه روزه نگيرد، ايرادي بر او نيست[[19]](#footnote-19) از پيامبر بزرگ اسلام حضرت محمد ص رواياتي نقل است كه دلالت واضح به منسوخ بودن روزه‌ی عاشورا مي‌نمايد بنابراين گرفتن آن اختياري است.

1- از عايشه ل روايت است كه فرمود: آن حضرت ص امر به روزه‌ی عاشورا نمود ولي هنگامي كه روزه‌ی رمضان بر او فرض گرديد فرمود: «هركسي مي‌خواهد، روز عاشورا روزه گيرد و هر كسي كه نمي خواهد نگيرد»[[20]](#footnote-20).

2- از ابن عمر روايت است كه فرمود: روز عاشورا را در زمان جاهليت روزه مي‌گرفتيم، هنگامي كه روزه‌ی ماه رمضان بر ما فرض گرديد پيامبراكرم ص فرمود: «اين روزي از روزهاي خداوند است هر كس مي‌خواهد روزه بگيرد و هر كس نمي خواهد آنرا ترك كند»[[21]](#footnote-21).

تعيين روز عاشورا

در مورد تعيين روز عاشورا سه ديدگاه وجود دارد: عده‌اي گفته‌اند كه روز عاشورا نهم محرم است، ولي اكثر علما بر اين رأي هستند كه روز دهم ماه محرم روز عاشوراست كه اين ديدگاه راجح و مستدل است و رأي ديگر، روز يازدهم ماه محرم را روز عاشورا مي‌داند[[22]](#footnote-22).

دلايل زيادي وجود دارد كه روز دهم محرم روز عاشورا مي‌باشد از جمله:

1- از عايشه ل روايت است كه پيامبر ص به روزه گرفتن روزه‌ی عاشورا در دهم محرم امرفرمود»[[23]](#footnote-23).

2- از ابن عباس م روايت است كه آن حضرت ص در روز دهم محرم امر به روزه گرفتن عاشورا نمودند»[[24]](#footnote-24).

3- از سعيد بن مسيب و حسن بصري و عكرمه روايت است كه فرموده‌اند: روز عاشورا دهم محرم است»[[25]](#footnote-25).

**خلاصه‌ی اين مطلب:** آنچه كه ميان علماي سلف و خلف مشهور و معروف است اين است كه عاشورا روز دهم ماه محرم مي‌باشد»[[26]](#footnote-26).

حكم روزه گرفتن عاشورا

علما اتفاق دارند كه روزه‌ی روز عاشورا سنت است.

در مورد اين كه آيا در ابتداي اسلام قبل از فرضيت رمضان روزه‌ی عاشورا واجب بود يا مستحب؟

دو قول مشهور از علما وجود دارد كه صحيح ترين اين دو قول اين است كه روزه‌ی عاشورا در ابتداي اسلام واجب بود و سپس حكم آن مستحب گرديد، زيرا پيامبر ص بعد از فرضيت رمضان كسي را به گرفتن روزه‌ی عاشورا امر ننمود[[27]](#footnote-27).

1- از عايشه ل روايت است كه آن حضرت ص به روزه گرفتن روزه‌ی عاشورا امر فرمودند. ولي هنگامي كه روزه‌ی رمضان فرض گرديد، بعضي در روز عاشورا روزه گرفتند و بعضي نگرفتند»[[28]](#footnote-28).

2- از سلمة بن اكوع روايت است كه پيامبر ص به مردي از قبيله اسلم دستور دادند تا به مردم قريه اش بگويد: كسي كه غذا تناول نموده است باقي روز را روزه بگيرد و كسيكه چيزي نخورده است پس روزه‌ی خود را تكميل نمايد زيرا امروز روز عاشورا است»[[29]](#footnote-29).

ملاعلي قاري رحمة الله عليه مي‌گويد: اين حديث دلالت صريح بر واجب بودن روزه‌ی عاشورا قبل از فرضيت رمضان مي‌نمايد كه بعداً منسوخ گرديد و حكم سنت را بخود گرفت.

3- در روايت ابو داود چنين ذكر است كه نمايندگاني از اسلم نزد آن حضرت ص آمدند پيامبر ص از آنها پرسيد:

«آيا اين روز را روزه گرفتيد؟» گفتند: نه، پيامبر ص فرمود: «بقيه‌ی روزتان را روزه بگيريد و قضايش را بجا آريد».

عيني رحمة الله عليه مي‌گويد: اين حديث دلالت صريح بر فرضيت روزه‌ی عاشورا مي‌نمايد زيرا بجا آوردن قضا جز در واجبات در چيز ديگري نمي‌باشد[[30]](#footnote-30).

ابن قيم رحمة الله عليه مي‌گويد: پيامبر ص روز عاشورا را روزه مي‌گرفت، و زمانيكه روزه‌ی رمضان فرض گرديد آنرا ترك كرد. پس روزه‌ی عاشورا قبل از رمضان فرض بود سپس واجب بودنش منسوخ شد نه اينكه بگوييم مستحب بودنش منسوخ شد[[31]](#footnote-31).

حكمت در روزه‌ی عاشورا

عبدالله بن عباس م حكمت روزه‌ی روز عاشورا را چنين بيان مي‌كند: زمانيكه پيامبرص به مدينه منوره هجرت نمود، يهود را ديد كه روز عاشورا روزه مي‌گيرند حضرت **(عليه السلام)** از آنها پرسيد: «اين چه روزي است؟» گفتند: اين روز نيكي است، روزيكه خداوند بني اسرائيل را از چنگ دشمن نجات بخشيد، لذا موسي اين روز را روزه گرفت. آنحضرت ص فرمود:

«من از شما به موسي نزديكترم». همين بود كه اين روز را روزه گرفت و امتش را به روزه گرفتن اين روز خجسته امر فرمود[[32]](#footnote-32).

پيامبر گرامي‌مان ص خويش را نزديكتر و شايسته‌تر از ديگران به موسي و پيروي از وي مي‌دانست. زيرا پيامبر ص و امتش با موسي در اصول دين متفق اند و كتابش تورات را تصديق مي‌نمايند، ولي شما يهوديان از پيروي موسي دست كشيديد و سرباز زديد و در كتابش تحريف و تغيير ايجاد نموديد، همچنين پيامبر در رسالت با موسي مشترك است و برادري ديني و نزديكي آشكار ميان ايشان وجود دارد زيرا در فرمانبرداري و پيروي اوامر خداوند با موسي نسبت به ديگران پيش قدم و پيشتاز است، به همين منظور خودش اين روز را روزه گرفت و امتش را نيز به روزه‌ی عاشورا امر فرمود.

در همان وقت پيامبر ص دوست داشت تا با اهل كتاب موافقت و نزديكي وجود داشته باشد خصوصاً در مسائلي كه از طرف خداوند مأمور به مخالفت آنها نشده باشد، همچنين آنحضرت ص ميخواست تا ميان اهل كتاب و مسلمانان فضاي محبت و الفت ايجاد گردد، اما هنگامي‌كه عداوت، دشمني و ضديت آنها را در مقابل مسلمانان درك كرد، بعد از فتح مكه به مخالفت با آنها دستور داد[[33]](#footnote-33).

پيامبرص آگاهي داد كه خود و امتش مستحق‌تر و نزديك‌تر به موسي نسبت به يهودند، هنگامي‌كه موسي شكر خداوند را بجا آورد و اين روز را روزه گرفت پس ما بايد به طريق اولي به ايشان اقتدا نمائيم و از ايشان پيروي كنيم، به ويژه اگر بگوييم: شريعت امت‌هاي قبلي براي ما شريعت است به شرط اينكه با شريعت ما تعارضي نداشته باشد. تعظيم نمودن پيامبر ص آنچه را كه موسي با عظمت شمرده است از نگاه پيروي شريعت موسي نبوده بلكه از نگاه موافقت شريعت وي با شريعت محمد ص مي‌باشد، يا اينكه پيامبر ص روزه‌ی عاشورا را بخاطر نجات يافتن موسي از چنگ فرعون و شكر گذاري خداوند از اين واقعه‌ی بزرگ روزه گرفت چنانكه آنحضرت ص هنگاميگه از قبول توبه‌ی داود آگاه گرديد به سجده افتاد و شكر خداوند را بجا آورد،[[34]](#footnote-34) روزه گرفتن آنحضرت ص در روز عاشورا اختياري بود نه واجب و فرض[[35]](#footnote-35).

ولي الله دهلوي مي‌فرمايد‍: راز و سرّ در مشروعيت روزه‌ی عاشورا اينست كه چون خداوند موسي را از فرعون و قومش نجات داد موسي بخاطر شكر گذاري خداوند اين روز را روزه گرفت، به همين ترتيب اين روز ميان اهل كتاب و عرب سنتي بجا ماند، سپس پيامبر ص اينروز را مورد تأييد قرار داد.[[36]](#footnote-36) پس حكمت از گرفتن روزه‌ی عاشورا همانا شكر گذاري خداوند بخاطر نجات موسي از فرعون است، و هر كه اينروز را روزه بگيرد واقعاً در شكر گذاري خداوند با موسي اشتراك نموده است و اين اجر و پاداش بزرگ را غنيمت شمرده است[[37]](#footnote-37).

انواع روزه‌ی عاشورا

علما روزه‌ی روز عاشورا را به چهار نوع تقسيم نموده‌اند كه از قرار ذيل مي‌باشد[[38]](#footnote-38):

نوع اول: روزه گرفتن نهم، دهم و يازدهم محرم.

نوع دوم: روزه گرفتن نهم و دهم محرم.

نوع سوم: روزه گرفتن نهم و دهم يا دهم با يازدهم محرم.

نوع چهارم: روزه گرفتن دهم محرم.

نوع اول روزه گرفتن نهم و دهم و يازدهم محرم

اين نوع بهترين و افضل‌ترين انواع فوق بشمار مي‌رود و دليل افضليت آن حديث ابن عباس است كه آن حضرت ص فرمود: «روز عاشورا را روزه بگيريد و با يهود مخالفت نماييد، يك روز قبل و يك روز بعدش را نيز روزه بگيريد»[[39]](#footnote-39).

**فوايدي كه در روزه گرفتن نهم و دهم و يازدهم محرم موجود است:**

1- پاداش روزه‌ی يكماهه براي روزه دار داده مي‌شود زيرا يك نيكي در ميزان خداوند برابر با ده نيكي است.

2- روزه گرفتن در ماه محرم بهتر از هر ماهي بعد از رمضان است.

3- با گرفتن روزه‌ی نهم و يازدهم همراه با دهم محرم، مخالفت با روزه‌ی يهود مي‌باشد.

4- گناهان يك سال قبل مورد عفو قرار مي‌گيرد مشروط براينكه از گناهان كبيره اجتناب ورزيده شود[[40]](#footnote-40).

نوع دوم: روزه گرفتن نهم و دهم محرم

در اين مورد احاديث زيادي وارد است كه بطور نمونه حديثي را كه امام مسلم از ابن عباس م روايت كرده است ذكر مي‌نمائيم: هنگاميكه پيامبر ص روز عاشورا را روزه گرفت و امتش را به روزه گرفتن اين روز امر فرمود ياران آن‌حضرت ص فرمودند: اي رسول خدا اين روز با عظمتي نزد يهود و نصاري است، آنحضرت ص فرمود: «هر گاه سال آينده اين روز فرا رسيد إن شاء الله روز نهم را نيز روزه خواهيم گرفت»[[41]](#footnote-41).

و در روايت ديگري چنين آمده است: «اگر زنده بوديم با آنها مخالفت مي‌ورزيم و روز نهم را روزه مي‌گيريم»[[42]](#footnote-42).

**فوايد روزه گرفتن نهم و دهم محرم:**

1- مخالفت با يهود، زيرا آنها تنها روز دهم محرم را روزه مي‌گرفتند.

2- احتياط در روزه‌ی دهم محرم، ترس از ناقص بودن مهتاب و يا احتمال خطا نمودن در تعيين روز نهم محرم، كه شايد روز دهم باشد.

3- دوري از روزه گرفتن منفرد مانند روز جمعه كه بعضي‌ها مكروه گفته‌اند[[43]](#footnote-43). ابن عباس م روز نهم و دهم را روزه مي‌گرفت تا روز عاشورا را از دست ندهد[[44]](#footnote-44).

نوع سوم: روزه گرفتن نهم و دهم و يا دهم با يازدهم ماه محرم

دليل اين نوع حديث ابن عباس م است كه آنحضرت ص در مورد روزه‌ی عاشورا فرموده است:

اينروز «عاشورا» را روزه بگيريد و يك روز قبلش و يا يك روز بعدش را نيز روزه بگيريد و با يهود مشابهت اختيار نكنيد»[[45]](#footnote-45). ابن همام مي‌نويسد: گرفتن روزه عاشورا مستحب است همچنين روزه گرفتن يك روز قبل و يا يك روز بعدش نيز مستحب است، زيرا روزه‌ی منفرد عاشورا مكروه است چون مشابهت با يهود مي‌باشد[[46]](#footnote-46). روزه گرفتن نهم محرم از سه نگاه مطلوب است:

1- احتياط در روز عاشورا 2- از روزهاي دهه‌ی اول ماه محرم است 3- و از روزهاي ماه حرام بشمار مي‌رود.

روزه گرفتن دهم محرم نيز ازسه نگاه مطلوب مي‌باشد:

1- اينكه روز عاشوراست 2- از روزهاي دهه‌ی اول ماه محرم است. 3 - از جمله‌ی روز‌هاي ماه حرام مي‌باشد.

و روزه گرفتن يازدهم محرم از دو نگاه مطلوب مي‌باشد:

1- احتياط نمودن در روز عاشورا. 2- از روزهاي ماه حرام بشمار مي‌رود[[47]](#footnote-47).

نوع چهارم: روزه گرفتن دهم محرم به تنهائي

اين مرتبه از پائين ترين مراتب روزه‌ی عاشورا مي‌باشد و دليل آن حديث عايشه ل است كه فرموده است: آنحضرت ص روز دهم محرم را به روزه گرفتن امر فرمود[[48]](#footnote-48). بعضي از علماء روزه گرفتن دهم محرم را به تنهائي مكروه گفته‌اند، مگر حكم نمودن به كراهيت آن بطور قطعي درست نبوده زيرا پيامبرص در طول حياتش عاشورا را بطور منفرد روزه مي‌گرفت و در آخر آرزو داشت تا در سال آينده روز نهم را با دهم محرم روزه بگيرد[[49]](#footnote-49).

فضيلت روز عاشورا

روز عاشورا روز مبارك، باعظمت و داراي فضيلت‌هاي بي شماري است كه روزه گرفتن درين روزخجسته ميان همه پيامبران پيشين معروف و مروج بوده است. نوح بخاطر بجا آوردن شكر خداوند كه او را از قومش نجات داد اين روز را روزه مي‌گرفت. همچنين موسي اينروز را روزه گرفته است تا شكر خداوند را بخاطر نجات يافتنش از فرعون و قومش بجا آورد، چنانكه يهود اينروز را روزه مي‌گيرد و نصاري اينروز را باعظمت مي‌شمارند، قريش نيز احترامي ويژه به اين روز داشتند لذا پوشش كعبه در روز عاشورا صورت مي‌گرفت و اينروز را روزه نيز مي‌گرفتند، به همين منظور پيامبر بزرگ اسلام ص روز عاشورا را گرامي مي‌داشت و در انتظار رسيدن اينروز ميمون مي‌بود. از ابن عباس م روايت است كه مي‌فرمايد: «من پيامبر خدا ص را نديدم كه روزه اي را بر ديگر روزه‌ها بهتر بشمارد و در جستجوي آن باشد، مگر روزه‌ی عاشورا و اين ماه: يعني ماه رمضان»[[50]](#footnote-50).

به اين معني احاديث زيادي روايت شده است كه همه دلالت بر فضيلت روزه گرفتن عاشورا بعد از ماه رمضان مي‌كند، لذا آنحضرت ص به روزه گرفتن عاشورا مداومت مي‌نمود، از حفصه ل روايت است كه پيامبر ص چهار چيز را هيچگاه ترك نمي كرد: روزه‌ی عاشورا، روزه‌ی ده روز ذي الحجه، روزه‌ی سه روز از هرماه و دو ركعت نماز قبل از چاشت»[[51]](#footnote-51).

روزه‌ی روز عاشورا گناهان سال گذشته را محو مي‌كند چنانكه از أبي قتاده روايت است كه از رسول خداص در مورد روزه‌ی عاشورا پرسيده شد آنحضرت ص در جواب فرمود: «گناهان سال گذشته را محو مي‌كند»[[52]](#footnote-52). و مراد از محوگناهان همانا گناهان صغيره است، اگر گناه صغيره نداشته باشد پس اميد است از گناهان كبيره اش كاسته شود، اگر گناه كبيره نيز نداشت پس مرتبه و مقام اين مؤمن ارتقا مي‌يابد[[53]](#footnote-53).

ملا علي قاري در مرقاة از امام حرمين نقل مي‌كند كه پاك كننده‌ی گناهان صغيره است، و از قاضي عياض نقل مي‌كند كه نظر اهل سنت درين مورد همانا صغائر است اما گناهان كبيره به توبه يا رحمت خداوندي محو مي‌گردد[[54]](#footnote-54).

اما آنچه بر سر زبانهاي بعضي مردم در مورد فضيلت روز عاشورا مي‌باشد دروغ و بهتان محض است مثلاً گفته‌اند: آدم در اين روز آفريده شده است و در اين روز داخل بهشت گرديد، ودرين روز خداوند عرش، كرسي، آسمانها زمين، آفتاب، مهتاب، ستارگان و بهشت را آفريده است، و يا اينكه گفته‌اند درين روز ابراهيم و عيسي آفريده شده‌اند و يا اينكه ادريس بالا برده شد و يا به سليمان پادشاهي زمين سپرده شد، و چشمان يعقوب بينا گرديد، و ايوب از مرض شفا يافت و امثال اينها همه نادرست است، بعضي‌ها از پاداش نماز خواندن در اين روز صحبت مي‌كنند، يا از فراخي روزي و نفقه بر اهل و عيال و سرمه نمودن و عطرپاشيدن و حنا گذاشتن و پختن حبوبات در اين روز صحبت مي‌نمايند كه همه ساختگي و افترا بوده و بر هيچ دليلي استوار نيست.

ولي سوالي كه اينجا مطرح مي‌شود اين است كه از پيامبر ص در مورد روزه‌ی عرفه روايت شده است كه گناهان دو سال را محو مي‌كند چنانكه مي‌فرمايد: «اميدوارم كه خداوند روزه‌ی روز عرفه را سبب محو شدن گناهان يك سال قبلش و يك سال بعدش قرار دهد و اميدوارم كه خداوند روزه‌ی عاشورا را سبب كفاره‌ی گناهان سال گذشته قرار دهد»[[55]](#footnote-55).

ظاهر اين حديث اينست كه روز عرفه افضل و بهتر از روز عاشورا است. بعضي علما درين مورد چنين گفته‌اند: حكمت در فضيلت روز عرفه بر روز عاشورا آنست كه عرفه روز محمدي است، يعني روزه گرفتن اين روز مختص به امت محمدص است و عاشورا روز موسوي است و پيامبرمان ص افضل ترين پيامبران (عليهم السلام) است لذا يك روزش محوكننده‌ی گناهان دو سال مي‌باشد[[56]](#footnote-56).

روزه‌ی پيامبران عليهم السلام در عاشورا

پيامبران **(عليهم السلام)** و اقوام شان روزه مي‌گرفتند، و به هر ديانتي كه خداوند را به يگانگي پرستش مي‌كردند با روزه‌ی فرضي آشنايي داشتند[[57]](#footnote-57). ولي سنت و طريقه‌ی هر پيامبري در روزه گرفتن با ديگران فرق داشت، مثلاً نوح اكثر روزهاي سال را روزه مي‌گرفت عيسي يك روز روزه مي‌گرفت و دو روز يا چند روز بي روزه مي‌بود[[58]](#footnote-58). همچنين آدم سه روز از هر ماه (13-14-15) را روزه مي‌گرفت[[59]](#footnote-59). و داود يك روز روزه مي‌گرفت و يك روز نميگرفت كه اينگونه روزه بهتر و محبوبتر در نزد خداوند است[[60]](#footnote-60). و موسي در يك سال چهل روز آنرا روزه مي‌گرفت[[61]](#footnote-61)، و پيامبر بزرگوار اسلام ص روزهاي دوشنبه و پنجشنبه و روز‌هاي 13-14-15 از هر ماه و نهم ذي الحجه و شش روز از شوال و عاشورا را روزه مي‌گرفت.

پيامبراني كه روز عاشورا را روزه گرفته‌اند نوح ، موسي ، و محمدصلي الله عليه و آله و سلم بوده‌اند و گمان مي‌رود كه عيسي نيز اين روز را روزه گرفته است زيرا بعضي از احكام شريعت موسي منسوخ نگرديده بود[[62]](#footnote-62).

حالا به طور مختصر روزه‌ی پيامبران فوق الذكر را كه روز عاشورا را روزه مي‌گرفتند ذكر مي‌نمائيم:

روزه‌ی نوح عليه السلام در روز عاشورا

نوح اولين پيامبري است كه خداوند وي را بسوي قومش فرستاد، زيرا شرك و بت پرستي اولين بار در قوم نوح پديد آمده بود، نوح نهصد و پنجاه سال قوم خود را به يگانه پرستي و توحيد دعوت نمود ولي جز چند فردي از قومش كسي به سخنانش گوش فرا نداد تا آنكه باعث قهر وغضب خداوند شد، خداوند نوح را امر فرمود تا كشتي بسازد و مؤمنان قومش را باخود سوار نمايد، سپس خداوند باران شديدي را فرود آورد و زمين نيز آب خود را بيرون نمود و همه جا را آب فراگرفت و در نتيجه همه‌ی كافران غرق گرديدند كه از جمله زن نوح وپسرش نيز غرق گرديدند، خداوند مؤمنان را بخاطر پيروي و فرمانبرداري شان از فرستاده اش نجات داد[[63]](#footnote-63). خداوند اين قصه را در قرآن مجيد چنين بيان مي‌كند: ﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَنجَيۡنَٰهُ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ فِي ٱلۡفُلۡكِ وَأَغۡرَقۡنَا ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَآۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمًا عَمِينَ ٦٤﴾. [الأعراف:64]

ترجمه: «اما آنان او را تكذيب كردند، پس ما او را و كساني را كه باوي در كشتي بودند نجات داديم و كساني را كه آيات ما را تكذيب نمودند، غرق كرديم، چرا كه آنان مردمان نابينائي بودند «حق را نمي ديدند».

خداوند مي‌فرمايد: ﴿َأَنجَيۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِي ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ ١١٩ ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا بَعۡدُ ٱلۡبَاقِينَ ١٢٠﴾. [الشعراء:119 ـ 120]

ترجمه: «ما او و كساني را كه با او بودند در كشتي پر(از انسانها و حيوانهاي گوناگون) نجات داديم، سپس بقيه را غرق كرديم».

خداوند مي‌فرمايد: ﴿فَأَنجَيۡنَٰهُ وَأَصۡحَٰبَ ٱلسَّفِينَةِ وَجَعَلۡنَٰهَآ ءَايَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ ١٥﴾ [العنكبوت:15].

ترجمه: «ما نوح و سرنشينان كشتي را (از امواج طوفان) نجات داديم و كشتي را (داستان آنرا) پند و عبرتي براي جهانيان گردانيديم».

خداوند روز نجات يافتن كشتي سواران را ذكر ننموده است مگر بعضي مفسران در تفسير فرموده‌ی خداوند ﴿وَٱسۡتَوَتۡ عَلَى ٱلۡجُودِيِّ﴾ [هود:44] «وكشتي بر كوه جودي پهلو گرفت». مي‌گويند: كه استقرار يافتن كشتي بركوه جودي روز عاشورا بود، نوح اينروز را بخاطر بجا آوردن شكر خداوند روزه گرفت و همه كساني را كه در كشتي با او موجود بودند اعم از انسان‌ها و پرندگان و درندگان و چهارپايان امر نمود تا اينروز را روزه بگيرند شكر و سپاس خداوند را بجا آورند.

از ابو هريره روايت است كه آن حضرت ص روزي از نزد بعضي يهوديان مي‌گذشت در حاليكه آنها روزه داشتند، پيامبر ص از آنها پرسيد: «اين چه روزي است كه شما روزه گرفته ايد؟» گفتند: اين روزي است كه خداوند موسي و بني اسرائيل را از غرق شدن نجات داد و فرعون را غرق نمود، و اين روزيست كه كشتي بر جودي استقرار يافت، سپس نوح وموسي اين روز را روزه گرفتند تا شكر خداوند را بجا آورند، پيامبر ص فرمود: «من نزديك‌تر از شما به موسي هستم و اولي تر از شما به روزه گرفتن اين روز هستم، سپس ياران خود را به روزه گرفتن اين روز امر فرمود» .

روزه‌ی موسي عليه السلام در عاشورا

فرعون در كفر و سركشي اش افراط نمود و نخواست به اوامر فرستاده‌ی خدا گردن نهد، و تصميم گرفت تا موسي را به قتل رساند خداوند به موسي امركرد كه با قومش «بني اسرائيل» مصر را ترك كرده شب هنگام به شكل مخفيانه بسوي سرزمين فلسطين حركت نمايند هنگاميكه فرعون از بيرون رفتن موسي با بني اسرائيل آگاه گرديد، با لشكرش به تعقيب آنان پرداخت، موسي با همراهانش هنگام صبح به ساحل درياي سرخ رسيدند، فرعون نيز با لشكرش هنگامي كه آفتاب بالا مي‌آمد به اين ساحل رسيدند بني اسرائيل سخت احساس خطر كردند، چون در مقابلشان دريا و در پشت سرشان دشمن قرار داشت، آنها يقين داشتند كه مرگ و هلاكت دامنگير آنهاست در اين وقت خداوند به موسي وحي كرد تا با عصاي خود به دريا بزند موسي اين كار را عملي كرد همين بود كه دريا به قدرت و امر خداوند شكافته شد موسي از ميان دريا بالاي زمين خشك، با همراهانش عبور نمودند، فرعون نيز در اين موقع كه دريا شكافته شده بود، رسيد و با لشكرش داخل اين راه خشك گرديد تا موسي و بني اسرائيل را نابود نمايد، ولي آب دريا با هم يكجا شده، راه مسدود گرديد و فرعون با لشكرش غرق شدند.

خداوند موسي و همه‌ی همراهانش را از اين هلاكت نجات داد.[[64]](#footnote-64)

قرآن كريم نجات يافتن موسي با قومش، و غرق شدن فرعون و لشكرش را در آياتي چنين تصوير مي‌نمايد:﴿وَلَقَدۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَسۡرِ بِعِبَادِي فَٱضۡرِبۡ لَهُمۡ طَرِيقٗا فِي ٱلۡبَحۡرِ يَبَسٗا لَّا تَخَٰفُ دَرَكٗا وَلَا تَخۡشَىٰ ٧٧ فَأَتۡبَعَهُمۡ فِرۡعَوۡنُ بِجُنُودِهِۦ فَغَشِيَهُم مِّنَ ٱلۡيَمِّ مَا غَشِيَهُمۡ ٧٨ وَأَضَلَّ فِرۡعَوۡنُ قَوۡمَهُۥ وَمَا هَدَىٰ ٧٩﴾. [طه: 77-79]

ترجمه: «ما به موسي پيام داديم كه شبانه بندگانم را كوچ بده، و آنگاه راهي خشك براي آنان در اين دريا بگشا (راهي كه چون در آن گام بگذاري) نه از فرعونيان ميترسي كه به تو برسند و نه (ازغرق شدن) هراسي داري، فرعون با لشكريانش آنان را دنبال كردند، دريا آنان را بگونه‌ی شگفت انگيزي در ميان امواج خود گرفت، فرعون قوم خود را گمراه ساخت و هدايت ننمود».

خداوند در سوره‌ی يونس مي‌فرمايد: ﴿وَجَٰوَزۡنَا بِبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡبَحۡرَ فَأَتۡبَعَهُمۡ فِرۡعَوۡنُ وَجُنُودُهُۥ بَغۡيٗا وَعَدۡوًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَدۡرَكَهُ ٱلۡغَرَقُ قَالَ ءَامَنتُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱلَّذِيٓ ءَامَنَتۡ بِهِۦ بَنُوٓاْ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَأَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ٩٠﴾. [يونس 90]

ترجمه: «بني اسرائيل را از دريا عبور داديم فرعون و لشكريانش براي ظلم وتعدي آنان را دنبال كردند و در پي ايشان راه افتادند، تا بدانجا كه غرقاب فرعون را در خود پيچيد گفت: ايمان دارم كه خدائي وجود ندارد مگر آن خدائي كه بني اسرائيل بدو ايمان آورده‌اند و من از زمره‌ی فرمانبرداران هستم».

خداوند در سوره‌ی شعرا چنين مي‌فرمايد:﴿فَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ ٱلۡبَحۡرَۖ فَٱنفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرۡقٖ كَٱلطَّوۡدِ ٱلۡعَظِيمِ ٦٣ وَأَزۡلَفۡنَا ثَمَّ ٱلۡأٓخَرِينَ ٦٤ وَأَنجَيۡنَا مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ ٦٥ ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ٦٦﴾. [الشعراء:63 :66]

ترجمه: «بدنبال آن به موسي پيام داديم كه عصاي خود را به دريا بزن، دريا از هم شكافت و هر بخشي همچون كوه بزرگي گرديد و در آنجا ديگران را (به موسي و قومش) نزديك گردانيديم، موسي و جملگي همراهان او را نجات داديم سپس ديگران را غرق كرديم».

روزي كه خداوند موسي و بني اسرائيل را نجات داد، روز عاشورا بود، لذا موسي و بني اسرائيل اينروز را بخاطر شكر گذاري خداوند روزه گرفتند.

از ابن عباس م روايت است زماني‌كه پيامبر ص به مدينه‌ی منوره هجرت نمود، يهوديان را ديد كه روز عاشورا روزه مي‌گيرند، آنحضرت ص از آنها پرسيد: «اين چه روزی است که شما روزه ميگيريد؟» گفتند: اين روز با عظمتی است خداوند در اين روز موسی وقومش را نجات داد وفرعون ولشکرش را غرق نمود، لذا موسی اين روز را بخاطر شکر وسپاس خداوند روزه گرفت وما نيز اين روز را روزه ميگيريم، پيامبر فرمود: «پس ما نزديك‌تر و شايسته‌تر از شما به موسي هستيم». همين بود كه پيامبر ص اين روز را روزه گرفت و امر به روزه گرفتن آن نمود[[65]](#footnote-65). ابن حجر رحمة الله عليه مي‌گويد: نوح و موسي عليهما السلام در معجزه‌ی آب، مشترك هستند زيرا طوفان كشتي نوح را حمايت نمود، و دريا براي موسي شكافته شد و هر دو با مردم مؤمن قومشان نجات يافتند، به همين منظور هردو بخاطر شكر گزاري خداوند اينروز را روزه گرفتند»[[66]](#footnote-66).

روزه گرفتن پيامبر گرامي مان ص در عاشورا

پيامبرص روز عاشورا را در مكه مكرمه قبل از هجرت و در مدينه منوره بعد از هجرت روزه مي‌گرفت، اين روز خجسته از نخستين روزگار شريعت محمدي منزلت و قداست و عظمت بس بزرگي داشت، پيامبر در مكه‌ی معظمه قبل از هجرت اينروز را با روزه گرفتن زنده نگهداشته بود اگرچه ديگران را به آن امر ننموده بود، و اين دليل اصالت و نجابت در عبادت اين روز است كه آن حضرت ص به روزه گرفتن و شكرگذاري خداوند آن را سپري مي‌نمود.

علما روزه گرفتن پيامبر ص در روز عاشورا را به چهار مراحل تقسيم نموده‌اند كه از قرار ذيل است:

1- در مكه‌ی مكرمه قبل از هجرت به مدينه منوره آن حضرت ص روز عاشورا را به تنهايي روزه مي‌گرفت وكسي ديگر را به آن امر نكرد.

2- در مدينه‌ی منوره بعد از هجرت نمودن و قبل از اينكه روزه‌ی رمضان فرض گردد يعني در محرم سال دوم هجرت روز عاشورا را آن حضرت ص روزه گرفت و مسلمانان را نيز به روزه گرفتن آن امر فرمود.

3- بعد از فرض شدن روزه‌ی رمضان آنحضرت ص روز عاشورا را روزه گرفت ولي ياران خود را به آن امر نكرد، بلكه اختيار روزه گرفتن و يا نگرفتن را در اين روز به آنها گذاشت، لذا بعضي از ياران پيامبر ص اين روز را روزه نمي‌گرفتند.

4- پيامبر ص در سال دهم هجري، و يك سال قبل از رحلتش از دنيا روز عاشورا را روزه گرفت و خواستار اضافه نمودن نهم و يازدهم ماه محرم با روز دهم گرديد، تا با يهود مخالفت صورت گيرد، ولي آن حضرت ص روز نهم و يازدهم را با دهم نتوانست روزه بگيرد، چون به رفيق اعلي پيوست. **عليه أفضل الصلوات والتسليمات**[[67]](#footnote-67).

روزه گرفتن صحابه و تابعين در روز عاشورا

صحابه‌ی كرام ن روز عاشورا را قبل از فرض شدن رمضان روزه مي‌گرفتند چونكه پيامبر ص آنها را به روزه گرفتن اينروز ترغيب نموده بود ولي بعد از فرض شدن رمضان روزه گرفتن عاشورا اختياري باقي ماند بعضي از صحابه اين روز را روزه مي‌گرفتند و بعضي از آنها روزه نمي گرفتند، آن عده از صحابه ن كه اين روز را روزه مي‌گرفتند عبارتند از: ابوبكر صديق، عمر فاروق، علي بن ابي طالب، عبدالرحمن بن عوف، ابو موسي اشعري، قيس ابن سعد، اشعث بن قيس، عبد الله بن عباس، معاويه بن ابي سفيان، شقيق بن سلمه ن أجمعين. و از تابعين ابن سيرين، ابن شهاب زهري، ابو اسحق سبيعي، علي بن حصين، سعيد بن جبير و طاوس **رحمهم الله أجمعين** اين روز را روزه مي‌گرفتند[[68]](#footnote-68).

پيامبر ص و يارانش اهتمام خاصي به روزه‌ی عاشورا داشتند و مردم را به روزه گرفتن تشويق و ترغيب مي‌نمودند، ابن مسيب مي‌گويد: پيامبر ص، و ابوبكر و عمر م به روزه گرفتن روز عاشورا امر مي‌نمودند[[69]](#footnote-69). حضرت عمر فارق شخصي را نزد حارث بن هشام فرستاد تا اينروز را روزه بگيرد و خانواده اش را نيز به روزه گرفتن امر نمايد[[70]](#footnote-70).

چنانكه علي بن ابي طالب و ابو موسي اشعري م به روز گرفتن روز عاشورا امر مي‌نمودند، اسود بن يزيد مي‌گويد: هيچكس را مانند علي بن ابي طالب و ابو موسي نديديم كه به روزه گرفتن عاشورا امر نمايد[[71]](#footnote-71) ابو معاويه مي‌گويد: از حضرت علي شنيدم كه در روز عاشورا اعلان مي‌نمود: اي مردم اگر كسي چيزي خورده باشد پس باقيمانده‌ی روز را روزه بگيرد،5 همچنين روايت است كه علي امر مي‌فرمود تا روز نهم و يازدهم با روز دهم احتياطاً روزه گرفته شود زيرا گناهان سال قبل را محو مي‌كند، اگر كسي متوجه نبود و در طول روز يادش آمد پس باقيمانده‌ی روز را روزه بگيرد6. به عايشه ل گفته شد كه علي به روزه گرفتن عاشورا امر مي‌نمايد! عايشه ل فرمود: علي از همه به سنت پيامبر ص داناتر است[[72]](#footnote-72). روايات فوق و ديگر روايات دلالت به حرص اين صحابي جليل القدر به روزه گرفتن عاشورا مي‌نمايد.

بعضي از ياران پيامبر ص مانند عبدالله بن مسعود و عائذ مزني و عبدالله ابن عمر ن أجمعين روزه گرفتن عاشورا را ترك نموده بودند ولي رواياتي وجود دارد كه آنها اينروز را روزه مي‌گرفتند، و علت و انگيزه‌ی روزه نگرفتن آنها اينست كه نمي خواستند منزلت و مرتبه‌ی روزه‌ی عاشورا بلندتر از رمضان گردد لذا گاهي روزه مي‌گرفتند و گاهي ترك مي‌كردند تا به مردم بفهمانند كه روزه‌ی عاشورا اختياري و نفلي است[[73]](#footnote-73).

روزه گرفتن قريش و اهل جاهليت در روز عاشورا

روايات زيادي وجود دارد كه دلالت واضح بر روزه گرفتن اهل جاهليت بويژه قريش در روز عاشورا مي‌كند، ابن قيم مي‌گويد: روزه‌ی عاشورا از جمله شعائر ديني قريش محسوب مي‌شد و اينروز را تعظيم مي‌نمودند، در اين روز كعبه را مي‌پوشانيدند و روزه مي‌گرفتند»[[74]](#footnote-74).

از ام المؤمنين عايشه ل روايت است كه فرمود: قريش در عهد جاهليت، عاشورا را روزه مي‌گرفتند. سپس پيامبر ص به روزه گرفتن آن امر فرمود تا آنكه روزه‌ی رمضان فرض گرديد، پيامبر ص فرمود: «هر كس مي‌خواهد روزه گيرد و هركه مي‌خواهد روزه نگيرد»[[75]](#footnote-75).

امام نووي مي‌فرمايد: از مجموعه‌ی احاديث چنين فهميده مي‌شود كه اهل جاهليت، چه كفار قريش چه يهود و يا ديگران اينروز را روزه مي‌گرفتند، تا اينكه اسلام به روزه گرفتن آن تأكيد نمود، سپس سبكتر از تآكيد اولي آن باقي ماند[[76]](#footnote-76).

مگر چگونگي و سبب روزه گرفتن آنها واضح نيست كه چرا اين روز را روزه مي‌گرفتند؟ و آيا از فجر تا غروب آفتاب از خوردن و نوشيدن امتناع مي‌ورزيدند؟ يا اينكه از يك غروب تا غروب ديگر ادامه مي‌يافت؟ **والله اعلم**

آيا روز زينت، روز عاشورا بود؟

خداوند در سوره طه مي‌فرمايد:﴿وَلَقَدۡ أَرَيۡنَٰهُ ءَايَٰتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ ٥٦ قَالَ أَجِئۡتَنَا لِتُخۡرِجَنَا مِنۡ أَرۡضِنَا بِسِحۡرِكَ يَٰمُوسَىٰ ٥٧ فَلَنَأۡتِيَنَّكَ بِسِحۡرٖ مِّثۡلِهِۦ فَٱجۡعَلۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكَ مَوۡعِدٗا لَّا نُخۡلِفُهُۥ نَحۡنُ وَلَآ أَنتَ مَكَانٗا سُوٗى ٥٨ قَالَ مَوۡعِدُكُمۡ يَوۡمُ ٱلزِّينَةِ وَأَن يُحۡشَرَ ٱلنَّاسُ ضُحٗى ٥٩﴾. [طه: 56- 59]

ترجمه: «ما همه‌ی معجزات خود را به فرعون نشان داديم، ولي او (همه‌ی آنها را) تكذيب كرد و سر پيچي نمود. (فرعون)گفت: اي موسي! آيا آمده اي كه ما را با اين جادوي خويش از سرزمين خودمان بيرون كني؟ يقيناً ما هم جادوئي همسان جادوي تو را براي تو مي‌آوريم موعد آن را معين كن، موعدي كه ما و تو از آن تخلف نكنيم، و وعده گاه ما مكان صاف و مسطح و فاصله‌ی آن نسبت به همگان يكسان باشد. (موسي) گفت: ميعاد ما و شما روز جشني است كه در آن خود را مي‌آرايند. بايد مردم در چاشتگاه گرد آورده شوند (تا ماجرائي را ببينند كه ميان ما و شما مي‌گذرد)».

خداوند متعال خواست تا صدق نبوت موسي را به فرعون ثابت نمايد، لذا معجزه‌هايي چون عصا، يد بيضاء (وقتي موسي **(عليه السلام)** دستش را زير بغلش مي‌برد و بيرون مي‌آورد همچون نور مطلق مي‌درخشيد)، قحطي، كمي در ثمرات، طوفان، ملخ، شپش، بقه (قورباغه)، خون، محو و ناپديد شدن اموال، گره شدن قلب‌ها، را پياپي به موسي عطا فرمود تا فرعون به خود آيد و از استكبار و غرور و تكذيب دست كشد، ولي فرعون بخود نيامد و موسي را متهم به جادوگري نمود، و خواست تا با جادو با وي مقابله نمايد و به مردم بفهماند كه موسي جادوگري بيش نيست و از موسي خواست تا روز مقابله با جادوگران را تعيين نمايد، موسي گفت: وعده‌ی ما روز زينت است، فرعون براي اينروز خود را كاملا آماده كرد و از هر سو جادوگران معروف و برجسته را خواست تا بر موسي غالب آيند، روز زينت فرا رسيد و فرعون با جادوگرانش وارد ميدان شدند، موسي از آنها خواست تا جادويشان را به نمايش بگذارند، جادوگران ريسمان‌ها و عصاهاي خود را به ميدان افكندند، در چشم موسي چنين ظاهر شد كه گويا مارها و اژدرها به حركت آمده است، موسي در دل ترسيد ولي خداوند به وي اطمينان داد كه تو برتر هستي و امر نمود تا عصاي خود را بيفكند، عصاي موسي در ميان بهت و شگفت همگان همه‌ی آنچه را كه جادوگران افكنده بودند فرو برد، جادو گران همه به سجده افتادند و به خداوند و پيامبرش ايمان آوردند[[77]](#footnote-77).

مفسرين بزرگ اسلام مانند ابن عباس، ابن عمر، سعيد ابن جبير، و ابوحيان اين روز زينت را روز عاشورا گفته‌اند[[78]](#footnote-78). از كريب بن سعد روايت است كه عمر بن خطاب چنين فرمود: خداوند تبارك و تعالي در روز رستاخيز از هيچ روزه‌اي جز روزه‌ی رمضان و روز زينت يعني روزه‌ی عاشورا شما را مورد باز پرس قرار نمي دهد[[79]](#footnote-79).

عاشورا در عهد اموي‌ها و عباسي‌ها

به همين ترتيب مسلمانان روز عاشورا را روزه مي‌گرفتند، تا اينكه عهد يزيد بن معاويه فرا رسيد و متأسفانه در سال 61 هجري حضرت حسين در كربلا به شهادت رسيد، روز شهادت حسين مصادف با روز دهم محرم سال61 هجري بود. اين حادثه‌ی دردناك پيامدهاي مختلفي از خود بجا گذاشت.

بعضي اموي‌هاي (به ظاهر) سني مذهب (اما در واقع ناصبي)، اينروز را روز فرخنده و عيد شمردند، لذا لباس جديد مي‌پوشيدند و سرمه مي‌زدند و با مراسم و مهماني‌ها اينروز را تجليل مي‌نمودند و شيريني و غذا‌هاي خوب به مردم تقديم مي‌كردند.

اما پيروان علي بن ابي طالب و فرزندانش اينروز را ماتم گرفتند، و بخاطر ياد بود شهادت حضرت حسين اشك مي‌ريختند و اظهار غم و اندوه مي‌نمودند، از خوردن و نوشيدن چيزهاي خوب امتناع مي‌ورزيدند.

هنگاميكه حجاج بن يوسف در عهد عبدالملك، والي عراق تعيين گرديد مردم را مجبور به پوشيدن لباس جديد، خوردن و نوشيدن غذا‌هاي خوب و اظهار خوشحالي و سرور نمود، به همين خاطر متأسفانه گاهي درگيريها و زد وخورد‌هايي ميان سني‌ها و شيعه‌ها رخ مي‌داد[[80]](#footnote-80).

روز عاشورا بايد بخاطر اقتدا به پيامبر بزرگ اسلام ص و حصول اجر و ثواب روزه گرفته شود، نه بخاطر اظهار شادي و خوشحالي و يا غم و مصيبتي، چون روزه‌ی اينروز هيچ ارتباطي به خوشي و غم كسي ندارد.

بدين ترتيب روز عاشورا در همان عهد اموي‌ها و ابتداي عهد عباسي‌ها از سير اصلي اش منحرف شده بود كه متأسفانه باعث ايجاد تفرقه و زد و خورد‌هاي خونيني ميان شيعه و اهل سنت مي‌گرديد[[81]](#footnote-81).

عاشورا در عهد فاطمي‌ها

دولت فاطمي‌ها در سال 358 هجري در مصر و مغرب عربي پا گرفت، اين دولت شيعه مذهب توجه و اهتمام خاصي به روز عاشورا داشت تا بتواند مصالح سياسي خود را از اين راه تأمين نمايد و مردم را بخود جلب كند، لذا اعلان مي‌كردند كه روز عاشورا روز عزاداري و نوحه سرايي و اظهار غم و ماتم است، شيعيان در زير سايه‌ی اين دولت توانستند نفس آرامي بكشند و مراسم مذهبي خويش را هر طوريكه مي‌خواهند اجرا نمايند، فاطمي‌ها از سال 362هجري تا زوال دولت شان در سال 567 هجري مراسم عاشورا و غيره را تجليل مي‌نمودند، درين روز بازارها تعطيل مي‌گرديد و مردم لباس كهنه بتن مي‌نمودند و به گريه و ناله و فغان مي‌پرداختند، آنها به بازارها و خيابانها مي‌آمدند، ظرفها را مي‌شكستند، مشك‌هاي آب را پاره مي‌نمودند، مردم را از صدقه و خيرات جز براي عزاداري منع مي‌كردند و قاتلين حسين را دشنام مي‌دادند[[82]](#footnote-82).

عاشورا در عهد ايوبي‌ها

هنگامي‌كه دولت ايوبي‌ها در سال 567 هجري جانشين دولت فاطمي در مصر و شام گرديد و پايه‌هاي دولت شان مستحكم شد، روز عاشورا را روز شادي و خوشحالي اعلان كردند و آنرا جشن مي‌گرفتند، درين روز مردم انواع و اقسام غذاهاي لذيد و دلپذير آماده مي‌كردند و با كمال مهارت شيريني‌هاي گوناگون آماده ساخته و به مردم و مهمانان تقديم مي‌نمودند، درين روز همه لباس جديد مي‌پوشيدند، دست و پايشان را حنا و چشمانشان را سرمه مي‌زدند، حتي وسائل خانه را تجديد مي‌كردند، خلاصه كارهايي ميشد كه شيعيان را به خشم و غضب مي‌آورد، اينگونه كارها باعث گرديد كه مردم خيال كنند ماتم و عزاداري در روز عاشورا از ويژگي شيعه و شادي و خوشحالي از ويژگي اهل سنت است[[83]](#footnote-83).

عاشورا در عهد آل بويه

بغداد را آل بويه كه شيعه علوي بودند در عهد خلافت عباسي‌ها زير تصرف خود در آوردند، خليفه‌ی عباسي نتوانست با حاكم بغداد معزالدوله ديلمي كنار بيايد و مانند ساير ولايات خلافت اسلامي وي را تابع خود سازد، معز الدوله در سال 352 هجري در بغداد بدعت‌هاي زيادي را اختراع نمود، از جمله دستور صادر كرد كه روز عاشورا، روز ماتم و عزاداري باشد، و همه‌ی مردم بايد لباس غم بتن نمايند و بازارها بسته شود، خريد و فروش ممنوع گردد، رستورانها و هتلها نيز در روز عاشورا بايد كارشان را متوقف سازند. وي دستور داد تا زن‌ها با گريه و فغان و موهاي باز، و سر و روي خونين و گريبانهاي پاره به خيابانها بيايند، شيعيان عراق از عهد معزالدوله تا امروز عاشورا را به همين ترتيب تجليل مي‌نمايند، و لباس سياه بتن مي‌نمايند[[84]](#footnote-84).

ابن كثير در البداية والنهاية مي‌نويسد: شيعيان دولت آل بويه غلو و افراط زيادي نمودند، مثلاً در بغداد و دور و بر آن در روز عاشورا طبل‌ها به صدا در مي‌آمد، در راهها و خيابانها خاكستر و كاه مي‌ريختند، و بر مغازه‌ها چادرسياه آويزان مي‌گرديد، مردم ماتم و عزاداري مي‌كردند. اكثر آنها از نوشيدن آب در اين روز امتناع مي‌ورزيدند تا گويا با حسين كه تشنه به شهادت رسيد، همدردي كرده باشند. زن‌ها با گريه و ناله به خيابان‌ها مي‌آمدند وبه سر و صورت خود مي‌زدند و گريبان پاره مي‌كردند، و بدعت‌هاي زشت و شرم آوري در اين روز اجرا مي‌گرديد[[85]](#footnote-85).

ملاعلي قاري مي‌نويسد: در سر زمين عجم، مانند: خراسان، عراق و ماوراءالنهر منكرات و اعمال زشتي از شيعه بجا مانده است، آنها در روز عاشورا لباس سياه مي‌پوشيدند. و به خيابان‌ها مي‌آمدند، سر و صورت و ساير بدن خويش را مجروح مي‌كردند و مدعي بودند كه دوستان اهل بيت هستند، در حاليكه اهل بيت از آنها بيزارند[[86]](#footnote-86).

چنانكه در ساير كشورها شيعيان در روز عاشورا محفل مي‌گيرند، به طور مثال در عراق، ايران، هند، افغانستان، لبنان، سوريه، بحرين، كويت، و ديگر مناطق شيعه نشين با سياه پوش كردن مساجد و بتن نمودن لباسهاي سياه تجليل مي‌گردد، آنها روز عاشورا را روز ماتم و عزا بر حضرت حسين اعلام مي‌دارند[[87]](#footnote-87).

بدعت‌هايي كه در عاشورا صورت مي‌گيرد و بايد از آن دوري جست

در اين روز با عظمت و مبارك مردم بدعت‌هايي را اختراع نموده و مرتكب اعمال زشت و ناپسند مي‌گشتند، شيخ الاسلام مي‌نويسد: شيطان بعد از شهادت حضرت حسين توانست دو بدعت طي آن ايجاد نمايد: يكي بدعت ماتم و عزاداري و زدن به سر و صورت، و گريه و فغان و تشنگي كشيدن و مداحي و نوحه سرايي كه طي آن بزرگان صدر اسلام مورد لعن و طعن قرار مي‌گيرند، حتي كساني‌كه در جرم شهادت حضرت حسين دست نداشتند مورد لعن و دشنام قرار مي‌گيرند و قصه‌ها وحكايتهاي كاذب و دروغيني را ساخته‌اند، اين اعمال باعث گرديد تا در ميان مسلمانان اختلاف و تفرقه ايجاد گردد. ماتم گرفتن و عزاداري كردن و گريه و فغان بر مردگان باتفاق همه‌ی مسلمانان جايز نيست. و اينكه بر غم‌ها و مصيبتهاي گذشته، ناله و فغان صورت گيرد از گناهان بزرگ بشمار مي‌رود كه خداوند و پيامبرش ص از آن منع نموده‌اند، همچنانكه بدعت شادي و سرور در روز عاشورا درست نيست و پيامبر ص و خلفاي بعد از ايشان اينكار را سنت نگذاشته‌اند، پس اينروز نه روز شادي و سرور است و نه روز غم واندوه[[88]](#footnote-88).

از ديگر بدعت‌ها در اين روز پختن حبوبات و توزيع آن بر فقرا و مساكين است. و ادعا دارند كه اينكار ثواب زيادي دارد، ولي تشخيص كارهايي كه ثواب دارد دليل قاطع كه از پيامبر ص ثابت شده باشد مي‌خواهد، ليكن دليلي وجود ندارد پس اين كار بدعت و گمراهي مي‌باشد[[89]](#footnote-89). و از ديگر بدعت‌هاي اختراع شده در اين روز، پوشيدن لباس جديد، و خرج و خوراك خيلي خوب و خريدن ضروريات منزل و سرمه كشيدن و حنا كردن و غسل نمودن، ديد و بازديدها و زيارت مساجد و قبرستانها و آرامگاه‌ها، و ديگر بدعتهايي كه نه پيامبر ص و نه خلفاي راشدين و نه علماي بزرگ اسلام مانند امامان چهار مذهب اهل سنت و نه اوزاعي و ثوري و اسحق بن راهويه و ليث و غيره اين اعمال را انجام داده و سنت گذاشته‌اند[[90]](#footnote-90).

احاديثي كه درين مورد ذكر است همه موضوع و ساختگي است[[91]](#footnote-91).

همچنين تأخير زكات تا روز عاشورا بدعت است بطور مثال زكات در ماه صفر يا ربيع الاول بر او واجب مي‌گردد ولي آنرا تا روز عاشورا به تأخير مي‌اندازد، شايد قبل از عاشورا بميرد يا مفلس گردد، در اينصورت زكات بر ذمه‌ی وي باقي مي‌ماند و از اين بدتر اينكه تأخير در دادن حقوق ديگران ظلم محسوب مي‌گردد. پيامبرص مي‌فرمايد: «درنگ نمودن غني در اداي حقوق ظلم است»[[92]](#footnote-92). از بدعت‌هايي كه بعضي از زنان در اين روز به آن اعتقاد دارند، حنا كردن است كه گويا اگر كسي اينكار را نكرد حق عاشورا را ادا ننموده است، همچنين خريدن عنبر و چوب خوش بو و دود نمودن آن، كه گويا اگر اينكار صورت نگيرد گناه بزرگي مرتكب شده‌اند. عجيب اينكه همين چوب را تا سال آينده نگه ميدارند و در طول سال از آن استفاده مي‌كنند و معتقدند كه اگر دود و بوي خوش آن به زنداني برسد از زندان رها خواهد شد. همچنين اعتقاد دارند كه اين خوش بوئي علاج نظر و مرض است. چنين اعتقادي خطرناك است و دليل قاطع و محكم مي‌طلبد، اما دليلي وجود ندارد و اين گونه اعمال را زنها از خودشان اختراع نموده‌اند[[93]](#footnote-93).

پيامبرگرامي‌مان ص ارتكاب هر گونه بدعت در دين خدا، و عمل نمودن به آن را به شدت منع نموده‌اند. و اينرا واضح كرده‌اند كه خداوند را بايد مطابق سنت و عملكرد پيامبرش ص عبادت كرد، و نه بر حسب گفته و اختراعات ديگران. چنانكه ميفرمايند: «هركس عملي انجام دهد كه دين ما آنرا تأييد نكند مردود است»[[94]](#footnote-94)‌.

ودر لفظ ديگري چنين روايت شده است: «هر كسي در اين دين ما چيزي ايجاد كند كه از آن نيست، مردود است»[[95]](#footnote-95).

يعني: هر كاري كه مطابق سنت پيامبر ص نباشد مردود بوده و قابل قبول نيست.

پس بدعت‌هايي كه ذكر شد در عهد پيامبر ص و يارانش و در عهد تابعين وجود نداشته، بلكه بعد از شهادت حضرت حسين در سال 61 هجري ظاهر گرديد، و در سال‌هاي بعد خصوصاً در عهد دولت فاطميان اشكال مختلفي بخود گرفت و در اكثر كشور‌هاي شيعه نشين مانند ايران، عراق و بعضي مناطق مصر و لبنان و هند و پاكستان و افغانستان بشكل عجيبي انتشار يافت.

عوامل اساسي انتشار اين بدعت‌ها و امثال اينها بي خبري مسلمانان از دين، و سكوت و عدم انكار چنين اعمالي است، اگر هر مسلماني به‌اندازه‌ی وسع و توان خودش اطرافيانش را آگاه مي‌كرد هرگز به اين حد نمي رسيد و جامعه‌ی اسلامي، سالم باقي مي‌ماند.

پيامبرص امتشان را از بدعت و نوآوري در دين بر حذر داشته‌اند چنانكه ميفرمايد: «از امور نو پيدا (در دين) بپرهيزيد، زيرا هر امر نوپيدا بدعت و هر بدعتي گمراهي است»[[96]](#footnote-96).

پس برادر و خواهر مسلمان! بايد در راه از بين بردن بدعت‌ها كوشا باشيم، و در روز عاشورا به هر مسلماني كه آغشته‌ی بدعت است دوستانه بفهمانيم كه اين اعمال نادرست است و او را تشويق به ترك آن كنيم تا همه مان در دنيا و آخرت رستگار گرديم.

ماتم در روز عاشورا

شيعيان در روز عاشورا ماتم و سوگواري اعلان مي‌كنند، و لباس سياه مي‌پوشند و اظهار غم و اندوه مي‌نمايند، در بعضي مناطق شيعه نشين مغازه‌ها بسته مي‌شود، زنان و مردان به خيابان مي‌آيند و خود را با زدن قمه و زنجير زخمي مي‌كنند و گريه و ناله و فرياد سر مي‌دهند و با نوحه خواني و با نثار كلمات زشت و لعن و نفرين گويا از قاتلين حضرت حسين انتقام مي‌گيرند خلاصه در اين روز اعمالي صورت مي‌گيرد كه با عقل سليم موافق نيست و بدعت‌هايي كه مخالف شرع است و با روح و تعاليم اسلام سازگاري ندارد[[97]](#footnote-97).

خداوندمتعال و پيامبربزرگوارمان ص به ما نفرموده‌اند كه بر مرگ پيامبران پيشين ماتم و سوگواري نمائيم، پس چطور بر مرگ كساني‌كه مرتبه‌ی آنها پائين تر از انبيا است سوگواري مي‌نماييم؟!

نه از پيامبر گرامي مان ص نقل شده و نه از مسلمانان صدر اسلام كه آنها بر مصيبتي ماتم و عزا گرفته باشند.

شهادت حضرت حسين هر مسلماني را غمگين و ناراحت مي‌كند زيرا ايشان نوه‌ی عزيز پيامبر ص و از سرداران بزرگ اسلام و از علماي صحابه‌ی كرام بود، وي مرد عابد، شجاع و سخاوتمندي بود، ولي بايد پذيرفت آنچه را كه برادران شيعه‌ی ما در روز عاشورا بخاطر شهادتش انجام ميدهند نادرست است، و اكثر اين كارها ساختگي است و جنبه‌ی نمايشي دارد و الا پدر ايشان علي افضل و بهتر از او بود، چرا براي شهادتش ماتم نمي كنند؟! همچنين عثمان در نزد اهل سنت از علي بهتر است ولي در روز شهادتش كسي عزاداري نمي كند.

همچنين عمر بهتر از عثمان بود ولي براي شهادت ايشان كسي عزاداري نمي‌كند. همچنين ابوبكر صديق از عمر بهتر بود ولي در روز وفاتش كسي عزاداري نمي كند، از همه برتر خود پيامبرگرامي اسلام ص كه سردار جهانيان در دنيا و آخرت است خداوند روحش را مانند سائر انبيا **(عليهم السلام)** قبض كرد ولي هيچكس براي ايشان عزاداري نكرد[[98]](#footnote-98).

بر هر مسلماني واجب است كه در وقت مصيبت از صبر و شكيبائي كار بگيرد و بگويد: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ﴾. تا اينكه خداوند و پيامبرش از اين عمل خشنود و راضي گردند. ﴿وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٥٥ ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتۡهُم مُّصِيبَةٞ قَالُوٓاْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ ١٥٦﴾. [البقرة: 155ـ 156]

ترجمه: «و مژده بده به بردباران.كساني كه هر گاه بلائي به آنها برسد مي‌گويند: ما از آن خدائيم و بسوي او باز مي‌گرديم».

پيامبرگرامي ص مي‌فرمايد: «هيچ بنده‌اي نيست كه به مصيبتي گرفتار شود و بگويد: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ﴾. يعني: «همانا ما از اوييم و بسوي او باز گردانندگانيم». خدايا! مرا در مصيبتم مزد داده و برايم از او عوض بهتري بده. مگر اينكه خداوند او را در مصيبتش مزد داده و عوض بهتري براي او مي‌دهد، ام سلمه مي‌فرمايد: ابو سلمه (شوهرش) وفات يافت چنانكه رسول الله ص مرا امركرده بود گفتم. خداوند عوضي نيكوتر از او، يعني رسول الله ص را به من داد[[99]](#footnote-99).

در كتاب جلاء العيون از ملا باقر مجلسي قول حسين بن علي م چنين آمده است: «اي خواهر! اگر باشميشر ظالمان كشته شدم و از اين دنيا رحلت كردم پس گريبانت را پاره مكن، و رويت را مخراش، وموهايت را نكش و فغان و ناله مكن»[[100]](#footnote-100).

پس به سر و صورت زدن و گريبان پاره نمودن و دعاهاي زمان جاهليت، همه حرام و نا مشروع است و پيامبر ص از چنين اعمالي اظهار بيزاري نموده است چنانكه مي‌فرمايد: «آنكه بر رويش زده و گريبان پاره كند و دعاهاي جاهليت را بخواند از ما نيست»[[101]](#footnote-101).

رواياتی از کتب شیعه

1-«صُومُوا الْعَاشُورَاءَ- هَكَذَا- التَّاسِعَ وَالْعَاشِرَ فَإِنَّهُ يُكَفِّرُ ذُنُوبَ سَنَةٍ»[[102]](#footnote-102).

از امام صادق و ايشان از پدرش امام باقر عليهما السلام روايت مي‌كند كه علي **(عليه السلام)** فرمود:‌ «در عاشورا روزه بگيريد، نهم و دهم زيرا كه گناه يك سال را مي‌بخشد».

2- «صَامَ رَسُولُ اللهِ ص يَومَ عَاشُورَاءَ»[[103]](#footnote-103).

از ابوالحسن روايت است كه فرمود: «رسول الله ص روز عاشورا روزه گرفتند».

3- «صُومُوا يَوْمَ عَاشُورَاءَ التَّاسِعَ وَالْعَاشِرَ احْتِيَاطًا، فَإِنَّهُ كَفَّارَةُ السَّنَةِ الَّتِي قَبْلَهُ، فَإِنْ لَمْ يَعْلَمْ بِهِ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَأْكُلَ، فَلْيُتِمَّ صَوْمَهُ»[[104]](#footnote-104).

از علي **(عليه السلام)** روايت است كه فرمود: «نهم و دهم عاشورا احتياطًا روزه بگيريد، زيرا كه اين كفاره‌ی گناهان سال گذشته است اگر كسي يادش نبود و خورد هر وقت يادش آمد از همان لحظه روزه اش را تكميل كند».

4- «إِذَا رَأَيْتَ هِلَالَ الْمُحَرَّمِ، فَاعْدُدْ فَإِذَا أَصَبْتَ مِنْ تَاسِعَةٍ فَأَصْبِحْ صَائِمًا. قُلْتُ: (أي الراوي): كَذَلِكَ كَانَ يَصُومُ مُحَمَّدٌ صَلَى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: نَعَمْ»[[105]](#footnote-105).

از ابن عباس م روايت است كه فرمود: «هر گاه ماه محرم شروع شد، بشمار، به روز نهم كه رسيدي روزه بدار- راوي مي‌گويد: گفتم: آيا حضرت محمد ص در چنين روز، روزه مي‌گرفتند؟ فرمودند: بله».

5- «اِسْتَوَتْ السَّفِينَةُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ عَلَى الْجُودِيِّ فَأَمَرَ نُوحٌ مَنْ مَعَهُ مِنَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ بِصَوْمِهِ، وَهُوَ الْيَومُ الَّذِيْ تَابَ اللهُ فِيْهِ عَلَى آدمَ عَلَيْهِ السَّلامُ»[[106]](#footnote-106).

از امام صادق (عليه السلام) روايت است كه فرمود: «هنگامي كه كشتي نوح **(عليه السلام)** در روز عاشورا بر جودي استقرار يافت نوح **(عليه السلام)** به همه‌ی انسانها و جنهايي كه در كشتي بودند دستور داد كه در آن روز (عاشورا) روزه بگيرند و اين همان روزي است كه خداوند توبه‌ی آدم **(عليه السلام)** را پذيرفت».

6- از الفاظ رسول الله ص كه بهتر از آن نمي توان يافت اين است: «النِّيَاحَةُ مِنْ أَعْمَالِ الْجَاهِلِيَّةِ»[[107]](#footnote-107). و در روايت محمد باقر مجلسي با لفظ: «النِّيَاحَةُ مِنْ الْجَاهِلِيَّةِ» آمده است.

يعني: «نوحه كردن از اعمال جاهليت است يا نوحه كردن از جاهليت است»[[108]](#footnote-108)**.**

7- رسول گرامي ص مي‌فرمايند: «**صَوْتَانِ مَلْعُونَانِ يُبْغِضُهُمَا اللهُ: إِعْوَالٌ عِنْدَ مُصِيْبَةٍ وَصَوْتٌ عِنْدَ نَغْمَةٍ، يَعْنِي النوحَ والْغِنَاءَ**»[[109]](#footnote-109).

يعني: «دو صدا ملعون است و خداوند آن دو صدا را ناپسند مي‌دارد: يكي داد و فرياد در هنگام مصيبت و ديگري صداي نغمه؛ يعني: نوحه كردن و موسيقي».

8- امير المؤمنين علي **(عليه السلام)** در نامه شان به رفاعه بن شداد مي‌نويسد: «**إِيَّاكَ وَالنَّوحَ عَلَى الْمَيِّتِ بَبَلَدٍ يَكُونُ لَكَ بِهِ سُلْطَانٌ**»**[[110]](#footnote-110)**.

يعني: «مبادا در جايي كه قدرت داري بر مرده اي نوحه خواني كني».

9- جابر از پيامبر ص روايت مي‌كند كه فرمودند: «من شما را از نوحه كردن و از دو صداي احمقانه و فاجرانه نهي كردم، يكي صداي موسيقي كه ساز شيطان است و صدايي كه در هنگام مصيبت بلند مي‌شود كه صورت خراش مي‌دهند و گريبان پاره مي‌كنند، و ناله و فغان مي‌كشند»[[111]](#footnote-111). **«وَصَوْتٍ عِنْدَ مُصِيبَةٍ، خَمْشِ وُجُوهٍ، وَشَقِّ جُيُوبٍ وَرَنَّةِ شَيْطَانٍ».**

10- امام صادق **(عليه السلام)** مي‌فرمايد: **«لاَ يَصْلُحُ الصِّيَاحُ عَلَى الْمَيِّتِ وَلاَيَنْبَغِيْ وَلَكِنَّ النَّاسَ لاَ يَعْرِفُونَ»[[112]](#footnote-112).**

يعني: «شيون كشيدن بر مرده درست و شايسته نيست ولي مردم نمي‌دانند».

11- فضل بن ميسر مي‌گويد:‌ خدمت امام صادق **(عليه السلام)** بوديم كه شخصي آمد و از غم و مصيبتي كه به او رسيده بود شكوه كرد، امام فرمود: «**أَمَا إِنَّكَ إِنْ تَصْبِرَ تُؤْجَرَ، وَإِلّا تَصْبِرُ يَمْضِيْ عَلَيكَ قَدَرُ اللَّهِ الَّذِيْ قَدَّرَ عَلَيكَ وَأَنْتَ مَأْزُوْرٌ»[[113]](#footnote-113).**

يعني: «اگر صبر كني پاداش داده مي‌شوي و اگر صبر نكني باز هم آنچه تقدير خداوند باشد بر تو جاري مي‌شود، اما در اين صورت گنهكار خواهي شد».

12- رسول الله ص فرمودند: «**أَنَا بَرِيْءٌ مِمَّنْ حَلَقَ وَصَلَقَ وَرَفَعَ صَوْتَهُ»[[114]](#footnote-114).**

يعني: «من بيزارم از كسي كه (بخاطر مصيبت) مويش را بتراشد و صدايش را بلند كند».

13- از امام صادق **(عليه السلام)** روايت است كه و پيامبر ص از فرياد كشيدن در هنگام مصيبت و از نوحه كردن و نوحه شنيدن و به صورت زدن نهي كرده‌اند.

**«نَهَی عَنْ الرَّنَّةِ عِنْدَ الْمُصِيْبَةِ وَنَهَی عَنْ النَّيَاحَةِ وَالْاِسْتِمَاعِ إِلَيْهَا ونَهَی عَنْ تَصْفِيْقِ الْوَجْهِ»[[115]](#footnote-115).**

14- از امام صادق يا باقر عليهما السلام پرسيده شد كه نماز با كلاه سياه چگونه است؟ فرمودند: «با آن نماز نخوان،‌ زيرا كه رنگ سياه لباس اهل دوزخ است». **«لَا تُصَلِّ فِيْهَا فَإِنَّهَا لِبَاسُ أَهْلِ النَّارِ»[[116]](#footnote-116).**

15- از اميرالمؤمنين علي **(عليه السلام)** روايت شده كه فرمودند: «**لَا تَلْبِسُوا السَّوَادَ فَإِنَّهَا لِبَاسُ فِرْعَوْنَ».** يعني: «سياه نپوشيد كه لباس فرعون است»[[117]](#footnote-117)**.**

16- در روايت ديگري آمده است كه فرمود: «خواهرم! اي أم كلثوم! اي فاطمه! اي رباب! مواظب باشيد اگر من شهيد شدم براي من گريبان پاره نكنيد و صورت نخراشيد»[[118]](#footnote-118).

17- و در روايت ديگري آمده است كه فرمود: «خواهرم!‌ قسمت مي‌دهم، قسمم را نشكن، هر گاه شهيد شدم هرگز براي من گريبان پاره نكن و صورت نخراش و واويلا نكن».

**«يا أُختاه! إِنِّيْ أَقْسَمْتُ عَلَيْكِ ، فَأَبِرِّيْ قَسَمِي. لاَ تَشُقِّي عَلَيَّ جَيْبًا، وَلاَ تَخْمِشِيْ عَلَيَّ وَجْهًا، وَلاَ تَدْعِيْ عَلَيَّ بِالْوَيْلِ وَالثُّبُورِ إِذَا أَنَا هَلَكْتُ»**[[119]](#footnote-119).

از امام صادق **(عليه السلام)** در تفسير آيه‌ی كريمه ﴿وَلَا يَعۡصِينَكَ فِي مَعۡرُوفٖ﴾ [الممتحنة: ١٢] نقل شده كه فرمود: «**اَلْمَعْرُوفُ أَنْ لَا يَشْقُقْنَ جَيْبًا وَلَا يُلَطِّمْنَ وَجَهًا وَلَا يَدْعُونَ وَيْلاً وَلَا يَقُمْنَ عِنْدَ قَبْرٍ**».

يعني: «معروف اين است كه زنان گريبان پاره نكنند و به سر و صورت نزنند و واويلا نكنند و در كنار قبر قيام نكنند»[[120]](#footnote-120).

18- از ابوسعيد روايت است كه رسول الله ص زن نوحه گر و گوش كننده‌ی نوحه را لعنت كرده است. **«لَعَنَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ النَّائِحَةَ وَالْمُسْتَمِعَةَ»**[[121]](#footnote-121).

برگرفته از كتاب

عاشورا در ميزان عقل و دين

نوشته‌ی استاد زين العابدين ابراهيمي

مراجع

1ـ قرآن كريم

2ـ اتعاظ الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء؛ از تقي الدين أحمد بن علي بن عبد القادر، أبو العباس الحسيني العبيدي، المقريزي؛ القاهرة 1387هـ.

3ـ الآثار الباقية عن القرون الخالية؛ از ابو ريحان محمد الخوارزمي البيروني؛ بيروت.

4ـ الفخري في الآداب السلطانية والدول الإسلامية؛ از حمد بن علي بن طباطبا، معروف به ابن الطقطقي؛ دار بيروت1400 هـ.

5- البحر المحيط؛ از أبوحيان الأندلسي، دارالفكر بيروت 1403هـ .

6- البداية والنهاية؛ از ابوالفداء الحافظ ابن كثير، دار الكتب العلمية بيروت 1408هـ .

7 ـ بلوغ الأماني من أسرار الفتح الرباني بترتيب مسند أحمد الشيباني، از أحمد عبد الرحمن البنا الساعاتي، القاهرة، مطبعة الفتح الرباني، 1375.

8 ـ بهجة الناظرين فيما يصلح الدنيا والدين، از شيخ عبدالله بن جار الله آل جار الله، دار الطيبة، الرياض، 1406 هـ.

9- تاريخ الخلفاء، از جلال الدين سيوطی، مطبعة السعادة بمصر 1371.

10- تاريخ الطبري، از ابوجعفر بن جرير الطبري، دار المعارف، القاهرة 1387.

11ـ تاريخ يعقوبي، چاپ لندن.

12- التبصرة، از ابن الجوزي، القاهرة، 1390هـ، تحقيق د/ مصطفي عبدالواحد.

13ـ تفسير القرطبي- الجامع لأحكام القرآن، دار الكتاب العربي- بيروت 1398هـ .

14- تنبيه الغافلين عن أعمال الجاهلين، از ابوزكريا ابن أحمد النحاس، دارالكتب العلمية، بيروت 1407هـ.

15- تهذيب الآثار، از امام ابوجعفر طبري، جامعة الإمام، الرياض، تحقيق: محمود محمد شاكر.

16- جلاء العيون، از ملا باقر مجلسى – بيروت.

17- حاشية رد المختار علي الدر المختار، از ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين الدمشقي الحنفي، مكتبة الحلبي 1386هـ .

18- حاشية الجمل على شرح المنهج، از شيخ الإسلام زكريا الأنصاري، المكتبة الكبرى، القاهرة.

19- حجة الله البالغة، از شاه ولي الله الدهلوي، دارالكتب الحديث، القاهرة.

20- حكمة التشريع وفلسفته، علي أحمد الجرجاوي، القاهرة، المطبعة اليوسفية، 1350هـ .

21- دائرة المعارف، از البستاني، تهران.

22- الدر المنثور في التفسير بالمأثور، از جلال الدين السيوطي، دار الفكر، بيروت، 1403هـ .

23- الدعوة الإسلامية، دكتر أحمد غلوش، دار الكتاب المصري، القاهرة.

24- الدين الخالص، از محمود خطاب السبكي، القاهرة، 1394هـ .

25- زاد المعاد، از ابن قيم الجوزية، مؤسسة الرسالة، بيروت، 1406هـ .

26- سفر السعادة، از ابوطاهر الفيروزآبادي، مكتبة علي صبيح، القاهرة، 1376هـ.

27 - سنن أبي داود، دار الحديث، حمص، 1389هـ .

28- سنن الترمذي، مكتبة الحلبي، القاهرة، 1388هـ تحقيق فؤاد عبدالباقي.

29- السنن الكبرى، از البيهقي، حيدر آباد الدكن الهند، 1352هـ .

30- سنن النسائي بشرح السيوطي، دار البشائر الإسلامية، بيروت، 1406 هـ.

31- سير أعلام النبلاء، از الذهبي، مؤسسة الرسالة، بيروت، 1402هـ .

32- شرح فتح القدير از ابن الهمام، دار الفكر بيروت 1397هـ .

33- شرح معاني الآثار از الطحاوي، مطبعة الأنوار المحمدية، القاهرة.

34 - صحيح البخاري بشرح ابن حجر العسقلاني (فتح الباري)، المكتبة السلفية، القاهرة.

35- صحيح سنن أبي داود، از ناصر الدين الألباني، مكتبة التربية العربي لدول الخليج، الرياض 1409هـ.

36 - صحيح مسلم بشرح النووي، دار الفكر، بيروت 1401هـ.

37- ظهور خلافة الفاطميين وسقوطها بمصر، دارالمعارف بمصر 1976- هـ .

38- عمدة القاري بشرح صحيح البخاري، از بدرالدين العيني، دار الفكر بيروت 1399هـ

39- عون المعبود شرح سنن أبي داود، از العظيم آبادي، المكتبة السلفية، المدينة المنورة.

40- فقه السنة از سيد سابق، دار الكتاب العربي، بيروت.

41- الفتاوى الهندية في مذهب الإمام الأعظم أبي حنيفة النعمان، لجنة علماء برئاسة نظام الدين البلخي، دارالمعرفة، بيروت 1393هـ.

42- فتح العلام بشرح مرشد الأنام، از محمد عبد الله الجرداني، مكتبة الشباب المسلم، حلب.

43 - القاموس المحيط، از الفيروز آبادي، مؤسسة الرسالة بيروت 1407هـ.

44- قصص الأنبياء، از ابن كثير، دار الكتب الحديث، القاهرة.

45- الكامل في التاريخ از ابن الأثير الشيباني، دار بيروت 1385هـ .

46- كشاف القناع عن متن الإقناع، از البهوتي، مطبعة الحكومة، مكة مكرمة 1394هـ .

47- كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال از البرهان فوري الهندي، مكتبة التراث الإسلامي، حلب 1391هـ .

48- اللباب في الجمع بين السنة والكتاب، از أبومحمد المنبجي، دار الشروق، جدة، 1403هـ .

49- لسان العرب، از ابن منظور، بيروت.

50- لطائف المعارف فيما لمواسم العام من الوظائف، از ابن رجب الحنبلي، دار إحياء الكتب العربية، القاهرة، 1342هـ .

51- مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، از نور الدين الهيثمي، دار الكتاب العربي بيروت 1402هـ.

52- المجموع شرح المهذب از ابوزكريا النووي، دار الفكر، بيروت.

53- مجموع فتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية، مكتبة المعارف، الرباط المغرب.

54- المدخل لابن الحاج، دار الفكر بيروت 1397 هـ .

55- مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، از ملا علي القاري، دارالكتاب الإسلامي، القاهرة.

56- المسند، از امام احمد بن حنبل، دار المعارف القاهرة، 1374هـ تحقيق أحمد شاكر.

57- المصباح المنير، از أحمد الفيومي، مكتبة لبنان، بيروت 1987هـ .

58- المصنف في الأحاديث والآثار از ابوبكر ابن أبي شيبة، مطبعة العلوم الشرقية، حيدر آباد الهند 1288هـ .

59- المصنف، از عبد الرزاق الصنعاني، منشورات المجلس الأعلى، 1391هـ .

60- معارف السنن شرح سنن الترمذي از محمد يوسف الحسيني، مطبعة القادر برنتنك سنتر، كراچي 1390هـ .

61- المعجم الأوسط، از ابوالقاسم أحمد الطبراني، مكتبة المعارف الرياض.

62- مغني المحتاج از الشربيني، دار الكتاب المصري، القاهرة.

63- مقارنة الأديان، از لدكتور أحمد شلبي، مكتبة النهضة المصرية القاهرة 1983.

64- منهاج السنة، از شيخ الاسلام ابن تيمية، مكتبة الرياض الحديثة الرياض.

65- المواعظ والاعتبار از المقريزي، مطبعة النيل بمصر 1324هـ .

66- الموطأ از امام مالك ابن أنس، دارإحياء الكتب العربية، القاهرة 1374 هـ .

67- النبوة والانبياء، از محمد علي الصابوني، دار القلم دمشق 1409هـ .

68- النجوم الزاهرة في ملوك مصر والقاهرة، از يوسف بن تغري بردي بن عبد الله الظاهري الحنفي، أبو المحاسن، جمال الدين دارالكتاب اللبناني بيروت 1400 هـ .

69- وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، از ابن خلكان، دار صادر بيروت.

70- تفسير نور، از دكتور مصطفى خرم دل.

جرايد و مجلات

1- الأزهر: محرم 1381 و محرم 1392- محرم 1387- محرم 1358.

2- البلاد: عدد 8351 – 3/ 1/ 1407 هـ .

3- عكاظ: عدد 5523- 13/ 9/ 1401 هـ.

4- لواء الإسلام: ربيع الآخر 1370 هـ عدد8 .

5- منبر الإسلام: محرم 1384 عدد 1 .

1. ـ بخاري 2/316. [↑](#footnote-ref-1)
2. ـ مسلم 2/807. [↑](#footnote-ref-2)
3. ـ بخاري 2/52. [↑](#footnote-ref-3)
4. ـ مسلم 2/822. [↑](#footnote-ref-4)
5. ـ ترمذي 3/125. [↑](#footnote-ref-5)
6. ـ ترمذي 3/113. [↑](#footnote-ref-6)
7. ـ مسلم 2/819. [↑](#footnote-ref-7)
8. ـ مسلم 2/821. [↑](#footnote-ref-8)
9. ـ بخاري 2/50. [↑](#footnote-ref-9)
10. ـ مسلم 2/819. [↑](#footnote-ref-10)
11. ـ المصباح المنير ص156، دايرة المعارف بستاني 11/44. [↑](#footnote-ref-11)
12. ـ لسان العرب 4/569، و القاموس المحيط ص 565. [↑](#footnote-ref-12)
13. ـ دائرة المعارف بستاني/11/445 والآثار الباقية از البيروني ص 330. [↑](#footnote-ref-13)
14. ـ عمدة القاري 11/117. [↑](#footnote-ref-14)
15. ـ اللباب في الجمع بين السنة والكتاب 1/431. [↑](#footnote-ref-15)
16. ـ بخاري 2/59. [↑](#footnote-ref-16)
17. ـ طبراني 1/351 المعجم الأوسط. [↑](#footnote-ref-17)
18. ـ مسند امام احمد 6/467. [↑](#footnote-ref-18)
19. ـ فقه السنة 1/433. [↑](#footnote-ref-19)
20. ـ بخاري 2/58. [↑](#footnote-ref-20)
21. ـ ابي داود 2/818. [↑](#footnote-ref-21)
22. ـ عمدة القاري 11/117. [↑](#footnote-ref-22)
23. ـ مجمع الزوايد 3/189. [↑](#footnote-ref-23)
24. ـ ترمذي 3/119. [↑](#footnote-ref-24)
25. ـ مصنف ابن ابي شيبه 3/59. [↑](#footnote-ref-25)
26. ـ شرح مسلم از نووي 8/12. [↑](#footnote-ref-26)
27. ـ مجموع فتاوى از ابن تيميه 25/311. [↑](#footnote-ref-27)
28. ـ بخاري 2/28. [↑](#footnote-ref-28)
29. ـ بخاري 2/59. [↑](#footnote-ref-29)
30. ـ عمدة القاري 11/119. [↑](#footnote-ref-30)
31. ـ زاد المعاد 2/ 71. [↑](#footnote-ref-31)
32. ـ بخاري 3/58 . [↑](#footnote-ref-32)
33. ـ زاد المعاد 2/70. [↑](#footnote-ref-33)
34. ـ مرقاة المفاتيح 4/304. [↑](#footnote-ref-34)
35. ـ شرح معاني الآثار2/75. [↑](#footnote-ref-35)
36. ـ حجة الله البالغة 2/532. [↑](#footnote-ref-36)
37. ـ حكمة التشريع و فلسفته از جرجاوي 1/212. [↑](#footnote-ref-37)
38. ـ مجلة البلادـ ابوتراب ظاهري عدد 8351 محرم 1407هـ صـ5. [↑](#footnote-ref-38)
39. - شعب الإيمان از بيهقي 3/365. [↑](#footnote-ref-39)
40. ـ بهجة الناظرين ص 159. [↑](#footnote-ref-40)
41. ـ مسلم 2/798. [↑](#footnote-ref-41)
42. ـ طبراني در معجم كبير 11/131. [↑](#footnote-ref-42)
43. ـ مجموع از نووی 6/383. [↑](#footnote-ref-43)
44. ـ لطائف الاخبار از ابن رجب صـ49. [↑](#footnote-ref-44)
45. ـ شرح معاني الآثار از طحاوي 2/78. [↑](#footnote-ref-45)
46. ـ شرح فتح القدير 2/302 ومرقاة 4/288. [↑](#footnote-ref-46)
47. ـ فتح العلام از جردانى 3/418. [↑](#footnote-ref-47)
48. ـ مجمع الزوايد از هيثمى 3/189. [↑](#footnote-ref-48)
49. ـ حاشية ابن عابدين 2/375، معارف السنن از كشميری 6/112، الفتاوى الهندية 1/202. [↑](#footnote-ref-49)
50. ـ بخاري 2/59. [↑](#footnote-ref-50)
51. ـ سنن نسائي 4/220. [↑](#footnote-ref-51)
52. ـ مسلم 2/819. [↑](#footnote-ref-52)
53. ـ شرح مسلم از نووى 8/51. [↑](#footnote-ref-53)
54. ـ مرقاة المفاتيح 4/291. [↑](#footnote-ref-54)
55. ـ مسلم 8/51. [↑](#footnote-ref-55)
56. ـ مغني المحتاج 1/446. [↑](#footnote-ref-56)
57. ـ من نفحات رمضان ص91 عكاظ عدد5523ـ 1401هـ. [↑](#footnote-ref-57)
58. ـ حجة الله البالغة از دهلوى 2/54. [↑](#footnote-ref-58)
59. ـ عمدة القاري از عينى 10/ 254. [↑](#footnote-ref-59)
60. - بخاري 2/52. [↑](#footnote-ref-60)
61. ـ مقارنة الأديان 3/158. [↑](#footnote-ref-61)
62. ـ فتح الباري 4/248. [↑](#footnote-ref-62)
63. ـ دعوت اسلامى ص131. [↑](#footnote-ref-63)
64. ـ نبوت وانبياء از صابوني ص 243. [↑](#footnote-ref-64)
65. - مسلم 2/796. [↑](#footnote-ref-65)
66. ـ فتح الباري. [↑](#footnote-ref-66)
67. ـ شرقاوي، ازهر، ج1 سال 44محرم1392صـ29. [↑](#footnote-ref-67)
68. ـ التبصرة از ابن جوزى 2/8. [↑](#footnote-ref-68)
69. ـ كنزالعمال 8/658. [↑](#footnote-ref-69)
70. ـ موطأ 1/299. [↑](#footnote-ref-70)
71. ـ مصنف عبدالرزاق 4/287.

    5 ـ تهذيب الآثار ص 389. [↑](#footnote-ref-71)
72. - تهذيب الآثار ص 390. [↑](#footnote-ref-72)
73. - مصدر سابق و عمده القاري 10/56. [↑](#footnote-ref-73)
74. - زاد المعاد 2/ 70. [↑](#footnote-ref-74)
75. - بخاري ومسلم باب صوم عاشورا. [↑](#footnote-ref-75)
76. - شرح مسلم 8/9. [↑](#footnote-ref-76)
77. ـ قصص انبياء از ابن كثير 2/42. [↑](#footnote-ref-77)
78. ـ بحر محيط 6/250. [↑](#footnote-ref-78)
79. ـ كنزالعمال 8/655. [↑](#footnote-ref-79)
80. - لواء الإسلام- حسن السندوبي عدد5 سال 1368هـ . [↑](#footnote-ref-80)
81. ـ الأزهرـ محمد رجب بيومي عدد1سال 1381هـ . [↑](#footnote-ref-81)
82. ـ ظهور خلافةالفاطميين وسقوطها ص320. [↑](#footnote-ref-82)
83. ـ المواعظ والاعتبار 2/385. [↑](#footnote-ref-83)
84. ـ النجوم الظاهرة 3/334،الأزهر 1/33محرم 1381 ص 75. [↑](#footnote-ref-84)
85. ـ البداية والنهاية 8/204. [↑](#footnote-ref-85)
86. ـ اسرار مرفوعه ص 475. [↑](#footnote-ref-86)
87. ـ ازهر، بيومي 1/33 محرم1381 ص78. [↑](#footnote-ref-87)
88. ـ منهاج سنت 2/322، مجموع فتاوى25/310 وكشاف القناع 2/396. [↑](#footnote-ref-88)
89. ـ دين خالص از سبكي 8/417. [↑](#footnote-ref-89)
90. ـ فتاوي شيخ الاسلام 25/312. [↑](#footnote-ref-90)
91. ـ سفر سعادت ص167. [↑](#footnote-ref-91)
92. ـ متفق عليه. [↑](#footnote-ref-92)
93. ـ مدخل از ابن حاج 1/391. [↑](#footnote-ref-93)
94. ـ متفق عليه. [↑](#footnote-ref-94)
95. ـ متفق عليه. [↑](#footnote-ref-95)
96. ـ سنن ابي داود 4/201ـ صححه الألباني 3/871، صحيح سنن ابي داود. [↑](#footnote-ref-96)
97. ـ منبر الإسلام دكتر علي واحدي وافي عدد 1/ سال 22محرم 1384هـ ق . [↑](#footnote-ref-97)
98. - البداية والنهاية 8/205. [↑](#footnote-ref-98)
99. ـ مسلم كتاب جنائز. [↑](#footnote-ref-99)
100. ـ جلاء العيون از مجلسي 1/382. [↑](#footnote-ref-100)
101. - بخاري 1/398. [↑](#footnote-ref-101)
102. - تهذيب الأحكام 4/299 ، الاستبصار 2/134. [↑](#footnote-ref-102)
103. - تهذيب الأحكام4/29. [↑](#footnote-ref-103)
104. - مستدرك الوسائل 1-594. [↑](#footnote-ref-104)
105. - إقبال الأعمال ص554 وسائل الشيعة 7/347. [↑](#footnote-ref-105)
106. - مستدرك الوسائل 1/594. [↑](#footnote-ref-106)
107. - من لايحضره الفقيه 4/271-272 . [↑](#footnote-ref-107)
108. - بحارالأنوار 82/103 . [↑](#footnote-ref-108)
109. - بحارالأنوار 82/10. [↑](#footnote-ref-109)
110. - مستدرك الوسائل 1/144. [↑](#footnote-ref-110)
111. - مستدرك الوسائل 1/145. [↑](#footnote-ref-111)
112. - الكافي 3/266. [↑](#footnote-ref-112)
113. - الكافي3/225. [↑](#footnote-ref-113)
114. - جامع الأحاديث الشيعة 3/489. [↑](#footnote-ref-114)
115. - من لايحضره الفقيه 4/403. [↑](#footnote-ref-115)
116. - من لايحضره الفقيه1/163. [↑](#footnote-ref-116)
117. - من لايحضره الفقيه 1/163. [↑](#footnote-ref-117)
118. - مقتل الحسين ص218 از عبدالرزاق الموسوي. [↑](#footnote-ref-118)
119. - مستدرك الوسائل 1/144، مظالم أهل البيت264، على خطى الحسين 116، تظلم الزهراء 190. [↑](#footnote-ref-119)
120. - تفسير نور الثقلين 5/308. [↑](#footnote-ref-120)
121. - مستدرك الوسائل 1/144، بحار الأنوار82/93. [↑](#footnote-ref-121)